نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و ششم – شماره ۱۰۶۲
دوشنبه ۲۲ آبان ۱۴۰۲   ۸ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)



نکوداشت هفته کتاب و کتابخوانی

جانان پدر، دانایی آموزید

خطر کتاب نخواندن نسل جدید

عکس از احمد فکراندیش

با آثاری از:

سیدقاسم یاحسینی، محمد لطفی، دکتر حمید اسدپور، دکتر حبیب احمدزاده، دکتر محمود دهقانی، دکتر زهره عالی نسب، رضا مقاتلی، حسین پورصفر، حسین زیرراهی، گالیا توانگر، حسین حشمتی، احمد موسوی‌زاده، فریبا درویشی، اکبر نهاری، محمود حمزه‌ئیان، سینا برازجانی، فرشته گزدرازی، معصومه احمدی‌پور بوشهری، جمیل رزمی، رضا سیاهوشی، مرتضی زندپور، رضا نکیسا، هلنا سعادتمند، محمد شاکری مطلق، معصومه خرم، حمیدرضا گشمردی، غلامرضا غریبی...

وعده استاندار بوشهر برای حمایت از سرمایه گذاران بخش خصوصی در حوزه درمان



احمد محمدی‌زاده در بازدید از بیمارستان خصوصی دکتر رضایی در بوشهر اظهار داشت: توسعه زیرساخت های بهداشتی و درمانی در اولویت استان است و برای تحقق این مهم گام بر می‌داریم.

وی افزود: در حال حاضر چندین پروژه بزرگ بیمارستانی و درمانی در استان بوشهر در دست اجراست که بیش از ۶۰۰ تخت به ظرفیت تخت های موجود اضافه می شود.

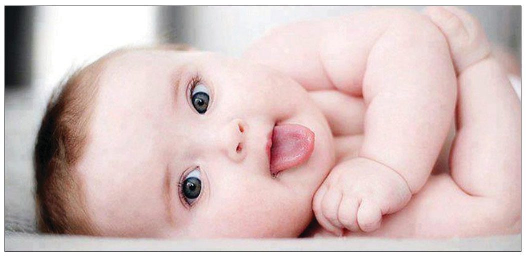
استاندار بوشهر با اشاره به ورود سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در حوزه درمان خاطر نشان کرد: اکنون چهار پروژه مهم درمانی توسط بخش خصوصی در دست اجراست که تکمیل این طرح‌ها، موجب افزایش کمی و کیفی خدمات رسانی در حوزه درمان می شود.

محمدی زاده تصریح کرد: گردشگری سلامت و توریسم درمانی مورد توجه مدیریت استان قرار دارد و با برنامه ریزی صورت گرفته و با راه اندازی طرح های در دست اجرا، این مهم محقق می شود.

وی اضافه کرد: احداث هتل بیمارستان و همچنین راه اندازی اقامتگاه های همراه بیمار نیز از دیگر طرح هایی است که مورد توجه قرار دارد.

استاندار بوشهر از پیشرفت ۹۶ درصدی مرکز تشخیصی پیشرفته سرطان در بندر بوشهر خبر داد و گفت: این مرکز توسط بخش خصوصی اجرایی شده و تجهیزات مورد نیاز نیز خریداری شده که به زودی راه اندازی می شود.

گرایش به نام های جدید در استان بوشهر بیشتر شده است



بوشهر_ ایرنا- مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر از روند رو به افزایش گرایش خانواده‌ها به تغییر نام و یا انتخاب نام‌های جدید برای نوزدان خبر داد و گفت: گرایش انتخاب نام‌های جدید برای نوزدان طی ۱۰ سال اخیر بیشتر شده است.

اسکندر پاسالار در گفت و گو با ایرنا با اعلام اینکه بر اساس آمار فراوانی نام ها، طی ۱۰ سال گذشته در استان بوشهر گرایش به نام های جدید بیشتر شده است، اظهار کرد: نام‌های مذهبی همچنان در صدر نام گزینی بوشهری ها قرار دارد.

وی افزود: مشاهدات آماری نشان می‌دهد ذائقه خانواده‌ها تغییر چشمگیری داشته است و نام های ایرانی و غیرمذهبی نیز توانسته‌اند در بین اسامی مذهبی جایگاهی را به خود اختصاص دهند.

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر به مقایسه ۲۰ نام برتر پسران طی ۱۰ سال گذشته با هفت ماهه امسال پرداخت و گفت: نام های پسران این استان در ۱۰ سال گذشته که دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند شامل "امیرعلی، ابوالفضل، محمد، علی، امیرحسین، حسین، علیرضا، محمدطاها، رضا، مهدی، محمدرضا، امیرمحمد، علی اصغر، محمدمهدی، امیرعباس، طاها، پارسا، محمدحسین، امیررضا و محمدجواد" بوده است و در هفت ماهه امسال نام های "حسین، علی، محمد، امیرعلی، امیرحسین، علیرضا، آراد، کیان، آیهان، رضا، ماهان، آریا، شاهان، محمدحسین، امیرعباس، محمدرضا، ابوالفضل، مهدی، کارن و آرسام" دارای بیشترین فراوانی هستند.

مدیرکل ثبت احوال استان بوشهر با بیان این‌که طی ۱۰ سال گذشته نام های "فاطمه، زهرا، رقیه، زینب، فاطمه زهرا، یسنا، مریم، مهسا، ریحانه، نازنین زهرا، ستایش، هستی، سارا، نرجس، سارینا، معصومه، بهار، کوثر، نیایش و فاطیما" ۲۰ نامی بودند که در صدر نام‌گذاری‌ها استان قرار داشتند، ادامه داد: این در حالی است که اسامی که از ابتدای امسال تا زمان حاضر بیشترین انتخاب را داشته اند نام های "فاطمه، زهرا، رستا، دلوین، نورا، زینب، حلما، آیلین، رقیه، فاطمه زهرا، آوا، آوینا، آیسان، هانا، ریحانه، نیکا، پناه، دنیز، نیلا و بهار" می باشند.

وی با تاکید بر این‌که انتخاب نام های مذهبی از جایگاه ویژه ای در بین خانواده های بوشهری برخوردار است، بیان کرد: کلیه اسامی که در ثبت احوال مورد موافقت قرار می گیرد از لحاظ معنا و مفهوم مناسب هستند.

رویکرد سازمان ثبت احوال همواره احترام به حقوق افراد است و انتخاب نام فرزندان جزئی از حقوق شهروندان قلمداد می شود.

تسهیل سازی پوشش بیمه‌ای کارفرمایان در تامین اجتماعی



به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اداره کل تأمین‌اجتماعی استان بوشهر، محمد جواد بازدرهوا در تشریح این خبر اظهار کرد: پیش از این کارفرمایان اشخاص حقوقی غیردولتی برای آن‌که خود نیز همانند شاغلان در کارگاه، تحت پوشش بیمه تأمین‌اجتماعی قرار گیرند ملزم به انعقاد قرارداد کتبی بودند و نمی‌توانستند بدون انعقاد قرارداد جداگانه، برای خود به تنهایی یا در کنار بیمه‌شدگان کارگاه، لیست حق بیمه ارسال کنند.

مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر تصریح کرد: براساس تسهیل سازی صورت‌گرفته در مقررات بیمه کارفرمایان، از این پس کارفرمایان حقوقی غیردولتی و نیز کارفرمایان صنفی می‌توانند نام خود را هم در لیست حق بیمه کارکنان کارگاه وارد کنند و برای کارفرمایان حقوقی غیردولتی این امکان فراهم شده که درآمد واقعی آنها مبنای کسر حق بیمه و نیز برقراری تعهدات بیمه‌ای باشد.

وی گفت: در بخشنامه، تصریح شده است کارفرمایان اشخاص حقوقی غیردولتی می‌توانند نسبت به درج نام خود در لیست بیمه کارگاه با عنوان شغلی (صرفاً مدیرعامل یا اعضای هیئت‌مدیره) و با دستمزد مشمول کسر حق بیمه با رعایت ماده ۲۸ قانون تأمین‌اجتماعی اقدام کنند و مقررات محدودکننده‌ای که پیش از این در خصوص بیمه این گروه از کارفرمایان وجود داشت، لغو شده است. بازدرهوا افزود: همچنین در مورد این دسته از کارفرمایان، بازرسان کارگاهی تأمین‌اجتماعی ملزم شده‌اند در هنگام مراجعه به کارگاه‌های دارای شخصیت حقوقی غیردولتی (شرکت‌های تجاری، مؤسسات تجاری و غیرتجاری) در صورت احراز و تأیید اشتغال این قبیل افراد در کارگاه، نسبت به احصای دستمزد و درج نام کارفرمایان در گزارش بازرسی اقدام کنند.

تولید ایده‌های ناب

محمد شاکری مطلق



بی تردید در مورد اهمیت، شکوه و قدر کتاب و کتاب خوانی در ادوار تاریخ جوامع بشری بسیار گفته شده و جملات قصاری از بزرگان به فراخور به یادگار مانده، از همین رو قدرمسلم نزد همه نژادها، فرهنگ ها و ملیت‌ها جایگاه ویژه ای دارد.

با این علم صرفا جهت یادآوری اشاراتی بر ارزش و تاثیر آن بر زیست بشر می کنم؛

کتاب‌ها ورای نقش آفرینی‌شان در افزایش دانش، آگاهی و خرد بشر، نقش مهمی در افزایش تقویت حافظه ایفا می‌کنند. از سوی دیگر خوانش مستمر کتاب‌ها، اثرگذاری مستقیم و آشکار بر تقویت دایره واژگانی می‌گذارد و از پس این تقویت، تسلط کلامی، بهبود فن بیان و افزایش نفوذ کلام را به همراه خواهد داشت. کتاب‌ها هماره منبع کارا، مفید و جریان‌ساز تولید ایده‌های ناب به اذهان مبتکران و نوآوارن بودند.

کتاب‌ها در شکل گیری و ساختار افکار، اندیشه‌ها و جهان‌بینی انسان‌ها تاثیرگذاری بی‌بدیل و روشنگرانه‌ای داشته و دارند.

رهایی از آشفتگی‌های ذهنی

معصومه خرم

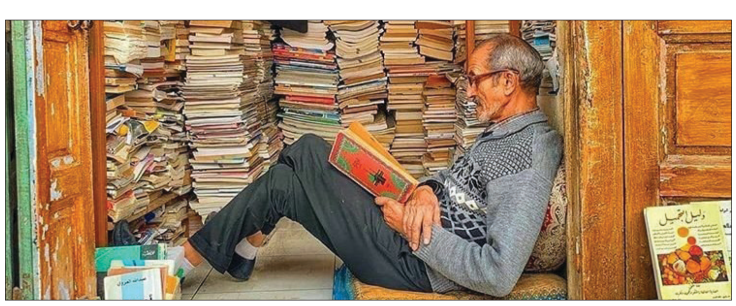


حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «هرآن کس که با کتاب آرامش یابد، راحتی وآسایش از او سلب نمی‌گردد.»

کتابخوانی به نیازهای سه گانه: عاطفی، شناختی و شخصیتی کودک پاسخ می‌دهد و هنوز هم با وجود گسترش منابع جدید اطلاعاتی و پژوهشی در جهان، کتاب همچنان جایگاه مهم و شایسته خود را دردستیابی به استقلال و هویت و تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان حفظ کرده است.

تحقیقات نشان داده است کودکانی که از ابتدای سنین کودکی برای‌شان کتاب خوانده می‌شود، مناطق خاصی از مغزشان تحت تاثیر قرار می گیرد و کودکان از آن قسمت مغز خود استفاده می کنند که با ادغام چند حس، بین کلمات و تفکر بصری ارتباط برقرار می کندکه در نهایت عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند. همچنین خواندن کتاب به کودکان توانایی حل مسئله می‌دهد و به آن‌ها در رشد تفکر منطقی کمک می کند.

با پیشرفت جوامع بشری و مدرنیته شدن زندگی، آنقدر مشغله ایجاد می‌شود که گاهی انسان فراموش می کنند که باید اوقاتی را به خود اختصاص دهند. همین امر پس از مدتی سبب آشفتگی و از دست دادن آرامش در زندگی می‌شود که روانشناسان از آن به عنوان افسردگی یاد می کنند. برای رهایی از آشفتگی‌های ذهنی ، از مطالعه به عنوان ابزاری آسان و قابل دسترس می‌توان نام برد. بر اساس تحقیقات؛ به چند فایده مهم و اساسی مطالعه می‌توان اشاره کرد: افزایش؛ سلامت روان، طول عمر، اعتماد به نفس و تقویت حافظه، پرورش قدرت خلاقیت و تفکر و همچنین این افراد خواب راحت، عمیق‌تر و آرام‌تری را تجربه می کنند. مطالعه کتاب در پیشرفت جامعه‌ای مبتنی برآزادی و آگاهی، نیزن قش مهم و موثری دارد. در چنین جامعه‌ای هرگاه وفاقی مبتنی بر رشد و توسعه بخواهد شکل بگیرد، می‌باید کتاب به عنوان یک عنصر اصلی و تأثیرگذار در آن مطرح باشد و والاترین جایگاه را در همه نهادهای فردی و اجتماعی از آن خود سازد.



در کشور ما کتابخوانی، بیمار است

حمیدرضا گشمردی



کتاب نخواندن این نسل و یا کتاب خوان‌های قدیمی هم برای خودش کتا بی ست .

حتما می‌توان گفت که خواندن صفحات مجازی و یا برگ‌های کتاب مانند بال‌هایی ست که ما را سوق می‌دهد به دنیای دیگر و ذهن سیال و کبوتر خیال در خود پرورش می‌دهد .

کتاب جان دارد و زنده است و تو را بر دوش خود می کشاند و به دنیاها و پستوهای ذهنی متعلق به فضای دوردست می کشاند. یک زمانی یک جلد کتاب در دست داشتن مایه مباهات بود. بحث بمب‌باران داده‌ها و نه داده‌های پردازش شده یا همان اطلاعات و به نوعی دانش که لایه‌های متلاطم و شگفت انگیز علوم و بطور کلی راهی‌ست برای پرورش لایه‌های درونی ذهن و ساختن نوعی نگاه در مسیر رشد و تکامل.

وقتی که چنبره‌ای از پرسش‌ها که ما را محاصره می کند، متوسل شد به کتابی می‌شویم برای پاسخ دادن.

هم دنیای مجازی خواندن کتاب و هم کلاسیک دامنه کلمات یک فرد کتابخوان بسیار وسیع می کند و استفاده از آن را افزایش می‌دهد. ولی با وسعت دنیای مجازی، فضای سنتی را برای نسل کنونی بسیار دشوار می کند.

وقتی می‌تواند یک کتاب را به صورت پادکست، چشمش را ببندد و با گوش بشنود، این نسل را با نسل قبل متفاوت می کند.

بنابراین شیوه‌های سنتی و نمایشی خود به خود به کناری گذاشته می‌شود، زیرا مخاطبان فضای مجازی به مراتب بیشتر از فضای سنتی شده است.

در کشور ما کتابخوانی به دلایل مختلف بیمار است و در اولویت اول قرار ندارد و به دلایل زیاد نخواندن کتاب هم برای خودش کتابی ست.

ضعف متولیان فرهنگی

هلنا سعادتمند



کتاب؛ دوست خاموش و گویایی که می‌تواند انسان را به قله‌های معرفت برساند. متاسفانه سرانه مطالعه در کشور ما رشد قابل توجهی نداشته و این را از ضعف متولیان فرهنگی میدانم.

در این آشفته بازار گرانی که مردم را از پای در آورده، هزینه تهیه کتاب نیز دردیست بر سایر دردها که باعث دورشدن نسل جوان از کتاب شده است.

متولیان فرهنگ جامعه باید راهکارهای ترغیب مردم به خصوص نسل جوان را به سوی مطالعه، بررسی کنند و چاره‌ای بیندیشند تا همه اقشار بتوانند کتب مورد علاقه خود را تهیه کنند.

وجود فضای مجازی نیز یکی از دلایلی است که نسل جوان کمتر کتاب بدست بگیرد. همه این مشکلات با فرهنگ‌سازی و درایت قابل حل می‌باشند.

آشتی نسل کنونی با کتاب



رضا مقاتلی : به گمانم حُکم کتاب برای نسل نو، حُکم رادیو در مقابل تلویزیون و وسایل ارتباط تصویری برای نسل امثال من و ماست. نمی‌توانیم کتمان کنیم که کتاب برای نسل کنونی در حال حاضر بیشتر در حوزه تحصیل و اگر اغماض نکنیم نوعی جبر مطالعاتی خلاصه می‌شود. به اعتقاد من آنچه امروز ما در حوزه کتاب و ارتباط آن با نسل کنونی مواجهیم نوعی سردرگمی در نگاه این نسل به کتاب است و دور از واقع نیست اگر عنوان کنیم متاسفانه باور غالب نسل کنونی به کتاب، نگاه دور شدن از مدرنیته بودن است و به عبارتی توجه به کتاب در باور نسل حاضر، نوعی واپسگرایی است و این زنگ خطری بزرگ در این حوزه است. البته اصرار دارم که این نگاه عمومیت صرف ندارد و همانطور که اشاره کردم نگاه غالب از این منظر است.

به گمانم پیش و بیش از آنکه ما بدنبال راهکارهایی برای افزایش تیراژ کتاب ها باشیم، ضرورت دارد به دنبال راهکارهایی برای ترغیب و حتی شاید نوعی آشتی نسل کنونی با کتاب و فرهنگ کتابخوانی باشیم. در این زمینه تولید کتاب‌هایی مطابق با ذائقه این نسل می‌تواند نخستین گام در تحقق این موضوع و جلوگیری از شکاف و فاصله ی بیشتر نسل کنونی با کتاب باشد.

اگر می‌خواهید...

سینا برازجانی: اگر می‌خواهید دکتر موفقی باشید رمان بخوانید.



اگر می‌خواهید مهندس موفقی باشید رمان بخوانید.

اگر می‌خواهید شهروند موفقی باشید رمان بخوانید.

اگر می‌خواهید محصل و دانشجویی موفقی باشید رمان بخوانید.

اگر می‌خواهید محبوب پدر و مادرتان باشید رمان بخوانید. اگر می‌خواهید...

چگونه یاد گرفتم هولوکاست را باور داشته باشم

دکتر حبیب احمدزاده



بله من یقین دارم که هولوکاست برعلیه قوم موسی صورت پذیرفته، با یقینی کامل در مقابل آنان که مطلق ردش میکنند ولی به آنان میگویم که بحث های بی مورد بود یا نبود هولوکاست در زمانه جنگ دوم جهانی را رها کنید.

بیایید همگی بپذیریم که حداقل در چند هزارسال پیش‌تر از قرن بیستم هولوکاستی مورد پذیرش و قبول همه ادیان (حتی تایید شده در روایات و کتب مقدس دینی ما مسلمانان) واقع شده، در همان زمانی که خوابگزاران فرعون خبر از آمدن نوزادی به نام موسی و واژگونی تاج و تخت فرعون دادند و دستور صادره این جنایتکار(در حرکتی سبعانه و پیش دستانه)که باید از امروز بی درنگ و ترحم همه نوزادان ذکور در قوم بنی اسرائیل کشته شوند تا موسایی در آینده نیاید و چنین شد که هزاران کودک بیگناه فدای این منطق آینده نگرانه شدند

و جالبتر آنکه وقایع امروز در غزه تکرار همین منطق پیش دستانه فرعون قدیمی ست.

بیش از یک ماه از نسل کشی در غزه گذشته و بیش از ده هزار نفر غیرنظامی شامل حداقل پنج هزار کودک بیگناه کشته شده‌اند.

دولتمردان امریکا و اسرائیل بی مهابا می‌گویند که هرگز به آتش بس تن نخواهند داد چون مجبورند به این کشتار تا به آخر ادامه دهند تا آخرین نفر از افراد گروه حماس در غزه نابود شوند.

عجیب است که بنی اسرائیل شش هزار سال داستان کشتار فرزندان خود به دست فرعون را برای از بین بردن پیامبر یهود موسی به فرزندانشان می‌آموزد ولی بایدن و ناتانیاهو این فراعونه جدید با همان منطق پیش دستانه فرعون قدیمی دست به کشتار مردم غزه زده‌اند.

ولی تاریخ خود قوم بنی اسرائیل به ما درسی می‌آموزد که اگر سبد موسی از درون نیل به قصر فرعون رسید، حتما فرزندانی از غزه هم از درون تونل ها به آینده تاریخ برای انتقام این ددمنشی‌ها خواهند رسید.

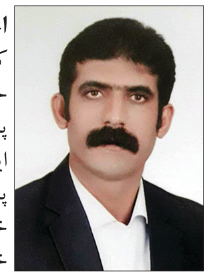
و این تفاوت تاریخی که در منطق آن فرعون نابکار قدیمی، تنها پسران تازه متولد شده، هدف تیغ سر بری و کشتن بی ترحم سربازان بودند و اما در منطق عملا تورات نخوانده ناتانیاهو و انجیل ندیده بایدن، این صاحبان قدرتهایی هزاران بار مخربتر به کل پسران، دختر‌کان، زنان، مردان غیرنظامی و حتی بیماران در بیمارستان این قوم هفتاد سال در اسارت فلسطین ذره‌ای رحم در کشتار نمی‌شود.

کسی میتواند بگوید برای دولتمردان غرب اگر اینگونه اعمال مصداق جنایات جنگی محسوب نمیشود (حتی تهدید به بمباران اتمی توسط دولتمردان افراطی امروز اسرائیل هم علنا صورت گرفته) پس دیگر چه عمل وحشیانه تری از ناتانیاهو و بایدن باید سربزند؟

در آخرین کلام، شک نداشته باشید همانگونه که شکافته شدن شگفت انگیز رودخانه نیل در مصر قدیم اسباب نجات موسی و مردمان مظلومش شد، بی شک همین راهپیمایی‌های سراسری مردمان جهان نیز راههایی ناممکن را (در کنار این صبر اسطوره‌ای) برای مردم هزاران بلادیده غزه حتما باز خواهد کرد.

و نتیجه نهایی هولوکاست ناتانیاهو برای مردمان غزه جز این نخواهد بود.

همتی ستودنی برای راه اندازی یک کتابخانه در بوشهر



احمد موسوی‌زاده: ایده کتابخانه فرهنگسرای شیخ حسین چاهکوتاهی در پاییز سال ۹۸ با همفکری اینجانب و جناب عارف‌زاده پایه‌ریزی شد که با استقبال خوب اهالی محل بویژه خانم طیبه فرهی و مهندس فرشید فرزانه که از همراهان این مجموعه ی فرهنگی تاریخی هستند، مواجه گردید . سالن انتهای مجموعه که برای رستوران طراحی شده بود و از مساحت خوبی برخوردار بوده و مجهز به سرویس های بهداشتی مستقل است، بهترین فضا برای ایجاد یک کتابخانه تشخیص داده شد. ابتدا از بین افراد حاضر در غرفه‌های فرهنگسرا مقداری پول جمع آوری شد و تعدادی قفسه فلزی خریداری گردید.

سپس جناب عارف‌زاده با مساعدت اتاق بازرگانی استان تعداد هفت میز مطالعه دو طرف ویک میز چوبی جهت کتابدار و چهل و پنج صندلی تهیه نمودند و خودم نیز تجهیزاتی دیگر را از جمله میز بزرگ چوبی جهت جلسات ساختم.

برای راه اندازی این کتابخانه شوق زیادی داشتیم و خستگی را درک نمی‌کردیم. استارت اولیه کتابخانه با همت وحمایت مردمی زده شد و فراخوان اهدای کتاب نیز زده شد.

کتابخانه با مدیریت جناب حسین مهیمنی و کتب اهدایی راه اندازی شد ومورد استقبال واقع گردید و من از این جهت احساس خوشایندی داشتم.

موضوعی که ادامه کار کتابخانه را تهدید می‌کرد، سیستم سرمایشی و برق فرهنگسرا بود که متاسفانه همین موضوع باعث توقف کار گردید . از جناب دکتر درویشی رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دعوت بعمل آمد تا ضمن بازدید از فرهنگسرا، پیرامون اعتبار برق و تجهیز کامل کتابخانه صحبت شود.

دکتر درویشی به اتفاق معاون خود دکتر پورداود و کارشناس این سازمان دکتر قیصی‌زاده تشریف آوردند و پس از بازدید، مقرر گردید در این خصوص اعتباری گذاشته شود.

بعد از این بازدید، مبلغ پانصد میلیون تومان جهت تقویت برق و تجهیز کتابخانه در اعتبارات اداره کل میراث فرهنگی گنجانده شد و پس از آن عملیات تقویت برق و تجهیز کتابخانه و مرمت برخی از نقاط بنا اغاز گردید. خوشبختانه در سال گذشته برق فرهنگسرا از یک برق خانگی به برق با ظرفیت بالا تغییر کرد و با ساخت تعدادی قفسه و پارتیشن، کتابخانه تکمیل گردید.

پس از تکمیل، این فضا با تمام تجهیزات طی توافقی فی‌مابین اداره کل میراث فرهنگی و اداره کل کتابخانه‌ها برای راه اندازی یک کتابخانه عمومی در اختیار اداره کل کتابخانه ها قرار گرفت و این اداره کل نیز مابقی تجهیزات از جمله دستگاههای سرد کننده را تهیه و طی تشریفاتی و بدون دعوت از عزیزان زحمت کشی که بنا و استارت این کار را زده بودند، این کتابخانه افتتاح گردید.

در هر صورت مفتخریم که بنای این کتابخانه گذاشته شد و هم اکنون چهار محل جنوبی بوشهر صاحب یک کتابخانه عمومی گردیده و از تمامی دست اندرکاران راه اندازی این کتابخانه به خصوص مهندس فرهی تشکر می‌کنم. در حال حاضر کتابخانه از فضای خوب و مناسبی برخوردار است و امیدواریم جوانان و کودکان بتوانند بهره لازم را از این کتابخانه ببرند.

زندگی آگاهانه

خودپذیری

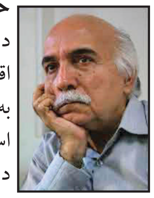
حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای زندگی



ناتانییل براندن در کتاب عزت‌نفس خودپذیری را یکی از شش ستون عزت نفس می‌داند. یعنی برای داشتن برای عزت‌نفس بالا لازم است خودپذیری بالایی هم داشته باشیم. خودپذیری باعث می‌شود از زندگی خود لذت ببریم و توانمندی‌های‌مان را به فعل تبدیل کنیم. البته خودپذیری هم مانند هر مفهوم دیگری دچار سوتعبیر شده است. بنابراین قبل از این‌که مشخص کنیم خودپذیری چیست لازم است بگوییم خودپذیری چه چیزی نیست. در شناخت خودپذیری دو باور اشتباه وجود دارد که باعث می‌شود برخی را به اشتباه بیاندازد. یکی تصدیق کامل خود و دیگری بی‌اعتنایی نسبت به اصلاح است. برخی همه عیب و ضعف‌های خود را پشت پذیرش خود پنهان می‌کنند و هر رفتار نادرست خود را با آن تایید می‌کنند. در واقع این افراد به جای خودپذیری دچار خودپرستی شده‌اند. برخی هم آن را معادل عدم تغییر و پذیرش خود توسعه نیافته‌شان می‌دانند و هیچ تلاشی برای بهبود زندگی خود نمی‌کنند. من همینم که هستم و قرار نیست تغییر کنم. این باور هم نادیده گرفتن ظرفیت‌های خود است. درحالی‌که هدف از خودپذیری بهبود و رشد است نه درجا زدن.

از نظر براندن خودپذیری در سه سطح رخ می‌دهد: اول تایید و طرفداری از خود؛ دوم پذیرش فکر، احساس و عمل خود؛ سوم دوستی با خود. تایید و طرفداری از خود یعنی بین خود یعنی هوادار خودمان باشیم. خواسته‌های خودمان را در اولویت قرار دهیم. ولی برخی‌ها این حق خود را به دیگران واگذار می‌کنند، که منجر به کاهش عزت‌نفسشان می‌شود. پس اگر در هر مساله‌ای که فکر می‌کنید حق با شماست طرفدار خود باشید کار درست را انجام داده‌اید. پذیرش فکر، احساس و عمل یعنی قبول کنیم که به عنوان یک انسان ممکن است در هر کدام از این‌ها خطا داشته باشیم. بقول معروف انسان جایزالخطا است. البته لزوما به معنی دوست داشتن یا تایید خطای خود نیست. بلکه صرفا پذیرش ناقص بودن خود است. یا بپذیریم در خیلی زمینه‌ها توانمند نیستیم. دوستی با خود یعنی با خود مانند بهترین دوستمان رفتار کنیم. دوستی با خود هم باید در فکر، زبان و عمل اتفاق بیافتد. با خود با مهربانی صحبت کنیم و گاهی خود را تحویل بگیریم. البته دوستی با خود هم به معنی تایید هر رفتاری نیست. بلکه دوست داشتن خود با تمام نقص‌ها و نقاط ضعف خود است. این‌جا تمایز بین شخصیت و رفتار مهم است. شما رفتاری داشته‌اید که برایتان عواقب سویی داشته است. این رفتار به هیچ وجه مورد تایید شما نیست، ولی با این خطا خود را قضاوت نمی‌کنید و شخصیت‌تان را زیر سوال نمی‌برید. در واقع خود بخشودگی بعد از خطا باعث جلوگیری از تکرار آن می‌شود. برعکس، مجازات احتمال تکرار اشتباه را بیشتر می‌کند. و نکته آخر هم این‌که در مسیر خودپذیری باید قبول کنیم که همواره مقاومتی درون ما وجود دارد که این روند را کند می‌کند. آگاهی به این مقاومت به ما کمک می‌کند در این راه ناامید نشویم و به تلاش‌مان ادامه دهیم. اگر می‌خواهیم خودپذیری‌مان را بالا ببریم باید بدانیم که مخصوصا در ابتدای راه خیلی کند پیش می‌رویم و بعدا هم گاهی یادمان می‌رود و به تنظیمات اولیه برمی‌گردیم.

دوستی دانشمند



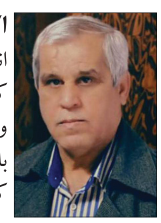
حسین حشمتی: کتاب، دوستی دانشمند برای همه اقشار مردم درهر رده سنی، به ویژه نوجوانان وجوانان است که خوشبختانه بیشترین درصد از جمعیت کشور را به خوداختصاص داده‌اند.
شوربختانه فضای مجازی از طریق وسائل دیداری و شنیداری مدرن همچون گیرنده‌های تلویزیونی جهان و موبایل، آنان را در معرض آسیب‌های اخلاقی قرارداده است و می‌طلبد که والدین با در اختیار قرار دادن کتاب‌های آموزنده و مفید و تشویق آنان برای عضویت درکتابخانه‌های عمومی، مواظب آن‌ها باشند.

فایده‌های خواندن کتاب



معصومه احمدپوربوشهری: کتاب خواندن مغز را طوری تحریک می‌کند که تماشای تلویزیون یا گوش دادن به رادیو نمی‌تواند این کار را انجام بدهد زیرا مغز درگیر شده و اصطلاحا ورزش می کند.
مطالعه باعث کاهش استرس می‌شود و اثر مثبت بر بدن می‌گذارد، خواندن یک کتاب می‌تواند استرس را بهتر از پیاده‌روی یا گوش دادن به موسیقی از بین ببرد، مغز شما را بهبود می‌بخشد، از بیماری زوال عقل و بیماری آلزایمر جلوگیری می‌کند. مغز یک عضله و مانند دیگر عضلات بدن و مانند ورزش کردن در مطالعه کتاب اثر می‌کند، آن را قوی و سالم نگه می‌دارد، کتاب همچنین واژگان و دستور زبان شما را بهبود می‌بخشد، همان‌طور که مطالعه می کنید با کلمات جدید، اصطلاحات، عبارات و سبک نوشتن آشنا می‌شوید واژگان جدیدی را فرامی‌گیرید، خواندن یک کتاب خوب می‌تواند بر مهارت نویسندگی تاثیر بگذارد، بسیاری از نویسندگان موفق با خواندن آثار دیگران تخصص خود را به دست می‌آورند بنابراین اگر می‌خواهید یک نویسنده بهتر شوید با یادگیری از استادان قبلی شروع کنید و کتاب بخوانید.

قرار گرفتن در مسیر درست



اکبر نهاری: در زندگی انسان، مطالعه و خواندن کتاب، یک فعالیت ضروری و تاثیرگذار است که متاسفانه با گسترش ابزار الکترونیکی که جایگزین مطاله گردیده، به آن آسیب اساسی رسیده است. مطالعه کتاب درهایی را پیش چشمان ما می‌گشاید و ما را در مسیری درست قرار می‌دهد، اینکه ما در زندگی چه مسیری را می‌پیماییم و در کجای راه هستیم مهم نیست، مهم این است که مطالعه کتاب با تاباندن نور آگاهی، مسیر ما را روشن می‌سازد،کتاب بهترین دوست اوقات تنهایی ماست.
در این‌جا فهرست‌وار بعضی از فواید مطاله را برمی‌شمارم : ۱-تقویت حافظه ۲- افزایش آگاهی ۳- تقویت رابطه اجتماعی ۴-افزایش ذخیره واژگان ۵- بهبود بخشیدن به مهارت ارتباطی ۶- افزایش قدرت تخیل ۷- تقویت مهارت نوشتن ۸- افزایش اعتماد به نفس ۹ – جلوگیری از ابتلا به آلزایمر و...

کتاب خوب چیست؟

(تأمل فلسفی درباب کتاب)

سیدقاسم یاحسینی

چند ماه پیش به دعوت جمعی از دوستان فرهیخته به سالن اجتماعات کتابخانه خلیج فارس بوشهر (واقع در محلهٔ دواس) رفتم تا با آنان درباره «مفهوم کتاب خوب» صحبت کنم. برای آن که آن جمع را، که حدود سی زن و دو مرد بودند، درگیر قضیه کنم، از تک‌تک آنان خواستم تا برداشت و ذهنیت خودشان را از مفهوم «کتاب خوب» بیان کنند. چند نفر کتاب خوب را کتابی سرگرم‌کننده دانستند، جمعی کتابی پُرمحتوا، عده‌ای دیگر، کتابی عمیق، پخته، اصیل و چند نفر دیگر هم پاسخ‌هایی از این دست دادند. برای بیشتر درگیر کردن آن جمع، پرسیدم که مفاهیمی چون «سرگرم کننده»، «پُرمحتوا»، «عمیق»، «پخته»، «اصیل» را تعریف کنند!
«سرگرمی» را خوب تعریف کردند! گفتند: کتابی که وقت ما را پُر کند و ندانیم زمان چطور سپری می‌شود.
اما من دست‌بردار نبودم. از تعریف مفاهیمی چون پُرمحتوا، عمیق، پخته و اصیل پرسیدم. اما به مصداق «چو عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها» تقریباً هیچ کدام نتوانستند پاسخ قانع کننده و خردپسندی به این پرسش‌ها بدهند. برخی حتی از این ناتوانی کمی تا قسمتی عصبانی شدند و جلسه را به بهانه‌ای ترک کردند. همان موقع یاد نام یک کتاب و یک خاطره افتادم. یکی عنوان کتابی از زنده‌یاد یدالله رویایی با عنوان «هلاکت عقل به‌وقت اندیشیدن» که برای نخستین بار در سال ۱۳۵۹ در سفری که از بوشهر به تهران کرده بودم، جلو دانشگاه تهران و در خیابان انقلاب، پشت یکی از کتابفروشی‌ها آن را دیده بودم و از عنوانش سخت تکان خورده بودم. دیگری خاطره جالبی یادم افتاد از خواندن یکی از کتاب‌های افلاطون! نوجوانی بودم که با راهنمایی دایی سعیدم، کتابی از افلاطون به دستم رسید. کتاب طبق معمول دیگر آثار افلاطون گفت‌وگوی سقراط بود با چند نفر دربارهٔ مفهوم «فضیلت»! همهٔ ما روزانه ممکن است در مکالمات و یا نوشته‌های خود از این کلمه استفاده کنیم و یا آن را بنویسیم. اما اگر بخواهیم بسان سقراط/ افلاطون درباب معنی و مفهوم و حدود و ثغور همین یک کلمه بیندیشیم و به قول معروف مته به خشخاش بگذاریم، بسیار دشوار است به همین معنا و مفهوم «فضیلت» پاسخ بدهیم!
در آن جلسه از حضار خواستم مفهوم «خوب» را تعریف کنند. باز بازار تضاد عقاید گرم شد! هرکسی پاسخی داد که آن دیگری و البته من قانع نشد/نشدیم! وقتی کار به این‌جا رسید، احساس کردم حضار جور دیگری به من می‌نگرند و احیاناً فکر می‌کنند دارم آنان را سرِ کار می‌گذارم و یا قصد فضل فروشی دارم!
ناچار بقیه برنامه‌ای را که برای به چالش کشیدن حضار داشتم کنار گذاشتم و وارد بحث اصلی‌ام شدم. موضوع این است که اگر بخواهیم «کتاب خوب» را تعریف کنیم، اول از همه، باید مفهوم و کلمهٔ «خوب» را تعریف کنیم. اما «خوب» برای چه فردی؟ در چه سنی؟ برای چه موضوعی؟ برای چه هدفی؟
تصور کنید دانش‌آموز کلاس ششم دبستان باشید. کتاب خوب برای چنین سنی چیست؟ آیا همین فرد در سن شصت سالگی نیز همان کتاب، برایش کتاب خوبی است؟ آیا کتابی که برای یک دانشجوی رشتهٔ شیمی «کتاب خوب» است، همان کتاب برای دانشجوی رشتهٔ ادبیات یا فلسفه هم خوب است؟ آیا همان کتاب خوب برای آن



دانشجوی رشتهٔ شیمی، زمانی که آن دانشجو ادامه تحصیل داد و دکترای رشتهٔ خود را گرفت و چند سال هم در دانشگاه تدریس کرد یا در یک مؤسسهٔ تحقیقاتی به کار و پژوهش پرداخت هم همچنان «کتاب خوب» تلقی می‌شود؟
اجازه بدهید یک تجربهٔ شخصی خودم را برایتان روایت کنم. دانش‌آموز سوم کلاس راهنمایی بودم که رمان «مادر» نوشتهٔ ماکسیم گورکی، ترجمه سروش حبیبی را خواندم و مثل هم نسلانم در آن زمان کلی هم لذت بُرده و احساس انقلابی بودن کردم! شاید بیست سال گذشت. جهان و من تغییر کرد/کردیم. دوستی همین کتاب را، این بار به ترجمهٔ زنده‌یاد محمد قاضی به من امانت داد. با ولع شروع به خواندن دگربارهٔ کتاب محبوبم کردم، اما باید اعتراف کنم هنوز به صفحه صد نرسیده بودم که احساس کردم دیگر کشش ندارم کتاب را بخوانم و تمام کنم؛ یا اگر بخواهم صادقانه عرض کنم، کتاب دیگر برایم کشش نداشت! یک رمانی که زمانی در شمار «کتاب‌های خوب» من و هم نسلانم بود، در زمانی دیگر، حتی با ترجمهٔ درخشان مترجمی برجسته چون محمد قاضی، نتوانست مرا جذب و جلب کند و همچنان برایم «کتابِ خوب» باشد. چنین حس و حالی را بارها شخصاً تجربه کرده‌ام. اطمینان دارم شما هم این تجربه را داشته‌اید. به جایی رسیده‌ام که مثل آن مُغنی در کتاب «کویر» دکترشریعتی که نویسنده دلش نمی‌خواست دگرباره او را که حالا پیر و ناتوان شده بود ببیند، دیگر حاضر نیستم دگرباره کتاب‌های محبوب دوران نوجوانی و جوانی‌ام را بخوانم، زیرا می‌ترسم تجربهٔ تلخ رمان «مادر» برایم تکرار شود که بارها هم تکرار شده است. من تمام مجموعه آثار صمد بهرنگی را در سال ۱۳۵۹ خواندم و از برخی از آن‌ها واقعاً لذت بردم. اعتراف می‌کنم که الان سال‌هاست جرأت بازخوانی آثار این نویسندهٔ جوانمرگ شده انقلابی را ندارم. می‌دانید چرا؟ چون هراس دارم آن «لذت متنی» که در هنگام خواندن آثارش به من دست داد، دیگر تکرار نشود. چنین است آثار دکترعلی شریعتی!
دوباره بازمی‌گردم به پرسش اول: کتاب خوب، چه کتابی است؟ با گذشت سن و نشستن برف پیری بر سرم، یک راز بزرگ را کشف کرده‌ام که مایلم با شما خوانندگان در میان بگذارم. راز ساده و پیش پا افتاده‌ای هم هست! در یک کلمه به شما عرض کنم که کتابِ خوبِ مطلق وجود ندارد! دقت بفرمائید عرض نَکردم «کتاب خوب» وجود ندارد، بلکه گفتم کتابِ خوبِ مطلق وجود ندارد. کتابی که ممکن استِ فردی را دچار انقلاب روحی بزرگی کند، ممکن است هیچ جذابیت و جاذبه‌ای برای فرد دیگری نداشته باشد. حتی چنان که در روایت تجربه شخصی خودم، ممکن است کتابی در سنی برای یک فرد «کتاب خوب» باشد، اما همان کتاب برای همان فرد در سن و سال دیگری، هیچ خوب و ارزشمند نباشد.
اگر بخواهم بحث را کمی فلسفی کنم، «خوب» یک امر ذهنی و سوبژکتیو است. خوب یک مفهوم ذهنی است. مثل زیبایی! تصور بفرمائید اگر انسان بر کُرهٔ زمین نباشد، خوب و زیبایی نیز وجود نخواهد داشت. خوب و زیبا برساخته‌های انسانی و اجتماعات انسانی است که در هر فرهنگ، دوره و تمدنی نیز تاریخی دارد. درست مثل خودِ «عقل» که به قول هگل تاریخ دارد، موضوعی که کانت متوجه آن نشد و از «مطلق عقل» گفت که چنین چیزی نداریم!
همهٔ پدیده‌های انسانی، تاریخ دارند که این تاریخ، برای ذهن‌های سنتی حتی ممکن است غیرقابل قبول باشد. یک مثال ساده می‌زنم تا خوب بتوانم موضوع را جا بیندازم. شده که فردی از یک غذا خوشش بیاید و دیگری از آن بدش بیاید. من عاشق بادمجان هستم، همسرم از آن نفرت دارد! حالا باید پرسید بادمجان خوب است یا بد؟ پاسخ راه گشا این است: بادمجان برای کی و چه کسی؟ چنین است رنگ قرمز برای من و رنگ زرد برای دیگری؟ رنگ زرد بهتر است یا قرمز؟ بنفش چطور؟
«خوب» نیز چنین است. ما در خارج از ذهن مفهومی به نام «خوب» نداریم. خوب یک برساختهٔ ذهنی است. بنابراین کتاب خوب هم نداریم! باید گفت: کتاب خوب برای چه سنی؟ چه ملتی؟ چه زمانی؟ چه حالی و چندین «چه»ی دیگر! خوب بودن یک ذهنیت اکسپرسیونیستی است. درست مثل غروب آفتاب که روزی برای ما ممکن است زیبا و دل‌انگیز باشد و مثل برق و باد زمان سپری شود و روز دیگر زشت و غم‌انگیز باشد و دقیقه‌هایش نیز چون سالی نگذرند! خورشید و طلوع و غروب آن یکی است و میلیاردها سال است که این تکرار مدام و مستمر ادامه دارد، اما «حال» و «احوال» من چی؟ حال و احوال تو چی؟
در تاریخ کلام و فلسفهٔ اسلامی میان دو مکتب رقیب «اشاعره» و «معتزله»، بحث دامنه‌دار و پُرمناقشه‌ی فلسفی ـ کلامی وجود داشت که به نوعی مربوط به بحث فعلی ما هم می‌شود! بحث این بود که آیا مفاهیمی چون «خوب» و «بد» ارزش و وجود ذاتی دارند یا مفاهیمی اعتباری و برساخته بشری می‌باشند؟ مثلاً «عدالت» و «نیکی» فی نفسه خوب هستند یا چون خداوند به انجام آن‌ها فرمان داده، خوب هستند؟ اشاعره می‌گفتند: خداوند هرکاری کند، عادلانه است و عین عدالت، حتی اگر کودک بیگناهی را به دوزخ بفرستد و عابد سجاده نشینی را. «عدالت» فی نفسه وجود خارجی ندارد. اما معتزله می‌گفتند: عدالت و کثیری از مفاهیم دیگر، حقیقت ذاتی دارند، چه خدا به آن فرمان داده باشد و چه نداده باشد. ضمناً هرچه خدا انجام می دهد، عین عدالت نیست، بلکه خدا عادلانه رفتار می کند. عدالت ملاکی بیرونی است که خدا هم از آن تخطی نمی‌کند. از این روی معتزله قائل به «حُسن و قُبح ذاتی» بودند. یعنی می گفتند که برخی مفاهیم درست و خوب، حُسن، و برخی مفاهیم بد، قَبیح، فی نفسه خوب یا بد هستند و هیچ ربطی هم به خدا و مذهب ندارد. اما اشاعره چنین نبودند. از این روی، مولوی، که یک متفکر و شاعر اشعری مذهب بود، در شعری مشهور گفته است:

آن‌چه ان خسرو کند، شیرین کند
چون درخت تین که جمله تین کند!

هر کاری خدا بکند، خوب است، نه کارهای خداوند خوب است!
بگذریم و جمع‌بندی کنم!
کتاب خوب وجود ندارد! بسته به سن، حال، دانش، دیدگاه، حتی ملیت و جنسیت، معیار «خوب» بودن تغییر می کند. همچنان که «خوب» یک امر نسبی و ذهنی است، «کتاب خوب» نیز چنین است.
انشاالله همواره کتاب خوب نصیبتان شود و آن را بخوانید و لذت ببرید!

فقط کتاب نخریم

محمود حمزه ئیان



وقتی صحبت از هفته کتاب و کتابخوانی میشود، ناخودآگاه ذهن‌ها به قفسه کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها پر می کشد. به بوی کاغذ و جوهر چاپ. شاید هم به قیمت های بالای این روزهای کتاب و سرانه پایین کتابخوانی. اما هدف از خواندن کتاب چیست؟ شاید بطور خلاصه بشود گفت افزودن بر آگاهی و تغذیه روح و گسترش مرزهای تفکر.

اما آیا مگر مجلات و روزنامه ها این کار را نمی کنند؟ بله، برخی کتابها جایگزینی ندارند. مثلا تاریخ بیهقی یا دیوان شمس و شاهنامه و...

اما چرا اینقدر باید بر کتابخوانی تاکید کنیم؟ چرا مجله یا روزنامه نخوانیم؟ مگر هدف ما از خواندن چیز جز افزودن بر آگاهی نیست؟ مجله‌های تخصصی زیادی در حوزه های مختلف وجود دارند که خواندن آنها حقیقتا در این راه بسیار کمک کننده خواهند بود. چرا برای ترویج مطالعه فقط بر روی کتاب خواندن تکیه کنیم؟ برای امروز که بسیاری وقت زیادی ندارند و ذهن ها آشفته است، شاید خواندن مجلات و روزنامه ها ساده‌تر باشد.

مجلات مزیت های دیگری هم دارند. مثلا عموم کتابها بدلایل مختلف مانند هزینه ترجمه، اصولا خیلی دیر به فارسی ترجمه میشوند. پس در بسیاری مواقع محتوی کتاب کمی قدیمی شده است. مثلا در حوزه مدیریت، شاید جدیدترین کتابهای ترجمه شده مربوط به شش یا هفت سال پیش باشد. ولی بسیاری از نظریات حوزه مدیریت از آن زمان و خصوصا در دوران همه گیری کرونا، عمیقا دچار تحول شده‌اند. اما احتمالا شما کتابهای جدید این حوزه را در قفسه ها پیدا نمی کنید، چون هنوز ترجمه نشده اند. اما مجلات و مقالات حوزه مدیریت تقریبا همزمان با نشر در دنیا، در مجلات تخصصی یا حتی روزنامه های ما نیز ترجمه و منتشر می‌شوند. به بیانی دیگر، مطالعه مجله ها، آگاهی شما را در لبه مرزهای کنونی دانش به روز نگه میدارد.

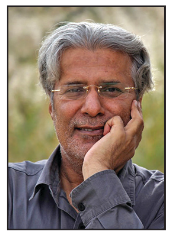
مسئله دیگر، بحث هزینه‌هاست. این روزها مجلات و روزنامه ها با فاصله ارزانتر از کتاب‌ها هستند. قیمت کتابها مثل هر کالای دیگری این سالها بسیار بالا رفته و خرید آنها عملا از عهده بسیاری از اقشار جامعه خارج است. اما مجلات و روزنامه ها می‌توانند تبلیغات بگیرند و این گونه قیمت‌ها را پایین نگه دارند و در نتیجه خریدشان هم برای عموم راحت‌تر میشود. برای خواننده هم زیاد سخت نیست در کنار مقاله ای از فرید زکریا مقاله نویس تایم یا اولا کلنیوس مدیرعامل مرسدس بنز، تبلیغی هم از روغن موتور یا کلینیک جراحی زیبایی ببیند!

مورد دیگر، تنوع مطالب در مجلات و روزنامه‌هاست. اهمیت این مسئله در چیست؟ وقتی عضوی از خانواده مجله ای را خرید شاید پدر خانواده یک مقاله را دوست داشته باشد و مادر نیز مقاله ای دیگر. فرزندان خانواده هم شاید از روی کنجکاوی، بخشی از مقاله ای را که احتمالا عکس جذاب تری دارد، بخوانند. وقتی مهمانی هم آمد، شاید او هم این مجله را از سر تفنن تورقی بکند. پس دایره افرادی که مطالعه می کنند، بیشتر میشود. این هم خودش در این دوران مزیتی است.

مسئله این نیست که نباید کتاب بخریم یا کتاب بخوانیم و هیچ کس هم این را توصیه نمی کند. اما شاید بهتر باشد در کنار کتاب، مجله ای هم در حوزه‌ای که علاقه یا تخصص داریم، بخریم و بخوانیم. محدود کردن مطالعه به کتاب، احتمالا کمکی به افزایش سرانه کتابخوانی و خرید کتاب نمی کند، اما خرید مجلات و آشتی عموم مردم با مطالعه متن‌های چاپی(و نه آنلاین)، حتما در این راه، کمک کننده خواهد بود.

با هیاهو نمی‌توان بر ضعف‌ها چشم پوشید...

محمد لطفی – نویسنده وکارگردان



فردا وقت سزارین موش همسایه است، این را گربه به توله‌اش فاکس کرد، پاکبان‌ها ته مانده مرا بار ماشین زباله می‌کنند، و من لابلای نوشته‌هایم به قطاری فکر می‌کنم که هیچ‌گاه به بوشهر نرسید و ما میان حرمت آوازهای خیالی مسافرانش، روی ریل تنهایی که خمیازه می‌کشیم، خاطرها گاهی مثل علاالدین دولوکس قدیمی اشک آدم را در می‌آورد، و من از خیابان‌های جدید خاطره ندارم، نه باد آواز می‌خواند، نه باران می‌رقصد، نه سهم زندگی با کوپن‌های باطله می‌شود خرید، تنها می‌نویسم و بعد نوشته‌ها را آتش می‌کشم و دلم برایشان می‌سوزد، به خدای رنگین کمان و قهوه تلخ فکر می‌کنم، بوشهر پر از بیلبوردهایی است که از ابتلای تنهایی مدرنیسم می‌گوید، هی می‌خواهم خودم را مجاب کنم که رویاهایت را رها مکن، درختان ایستاده در سرما طروات بهار را خواهند دید، اما این حرف‌ها مال توی فیلم‌های سینما فانوس است، آن‌هم دورانی که با دو تک تومانی می‌شد بلیط و ساندویچ و نوشابه فانتا خرید، جاشویی که خانه‌اش تا دریا دو قدم است اما ماهی را به قیمت کات کردن خیلی چیزها از سفره می‌خرد، یا آن کودک کار و بانویی که مردش دچار اپیدمی اعتیاد الان مستراح‌های زندان را تی می‌کشد، سهم‌شان از زیستن چیست؟ اگر این سکوت تکوین خواناترین ترانه نیست پس چیست؟ ما راه خانه را گم کرده‌ایم، میان این‌همه پنجره نشانی از زندگی نمی‌بینم، اصلا توجه کرده‌ای آدما دست‌ها را زیر فکشان زده‌اند، از پشت پلک بوشهر در پک‌های عمیق سیگار با کلینکس اشک چشم شیشه پنجره را پاک می‌کنند، زخم‌های مردم دهان گشوده است، و شهرداری به لکه‌گیری آسفالت‌ها می‌پردازد، همه دست بر زانوان اندوهیم، ما نسلی بودیم که بر خلاف لک‌لک‌ها به هم هی لکه چسباندیم، و دل‌مان می‌خواست مثل زنبورها همیشه در ماه عسل باشیم، درست در اقلیم شقایق زاران تاریخ به دق‌الباب آدمهایی که برای این شهر دل می‌سوزانند پاسخ ندادیم، ما به رواج رویا فکر کردیم، به سوت قطاری که هنوز نشنیده‌ایم، به وعده‌هایی که هیچگاه نباریدن و ما چترها را بستیم، زنده مانی را مشق می‌کنیم، انگار برای فردا هیچ طرحی و ترفندی در انبان ما نیست، برای‌مان مهم نیست بوشهر هزاره سوم چالش‌های معاصر شهرنشینی از منظر پسا نوگرایی را نمی‌بیند، و مگر آیا از منظر جامعه شناسی نه این‌که ما شهر را می‌سازیم و شهر ما را؟ بوشهر، شهرما ، شهر هزاره‌های دور دیار افسانه و آیین‌های ماندگار، چشم آبی باستانی ازل تا فردای ابد. بوسه‌گاه همواره خورشید است، ما خویشاوند همه دریاهاییم، این شهر تب‌دار بی‌قرار را به پاشویه عمران آبادی و نشاط ره نشان شویم که بیش از هر وقت دیگر محتاج به این نوع نگاه برنامه محور است، دعوت از سخنرانانی که به جای راهکارهای رفع معضلات، شهرنشینی و بهداشت حتی آب آشامیدنی و این‌که تا دوسال دیگر خیابان‌های بوشهر همه پارکینگ ماشین خواهند شد بدون طرح و انگیزه. این‌گونه بتاخت دولت‌های قبل را به فحش و ناسزا می‌گیرند و پدران و مادرانی که برای معنویت، فرزندان خود به این‌گونه مجالس می‌برند جز آموزش پرخاش‌گری و ناسزا شنیدن رایگان، چه ره توشه‌ای برمی‌گیرند، آن‌سوتر اما جوان و نوجوان، به تکلم واژه‌های ناب ناسزاهای آقایان می‌خندد... و دنیای سیاست را همان تام و جری می‌پندارند، و ما هنوز ندانسته با خودمان چند چندیم!! سالهای متمادی است که این مردم از حسرت ذخایر گنجی که روی آن به رنج نشسته‌اند، ساختن را به شما سپرده‌اند تا با خلق زیبایی‌ها برای‌مان سازی از جنس روح‌نوازی و امید بنوازید، چه خیال باطلی که سازتان ناکوک است. افسوس که بگویم بازیار بادیم در این روزهای بد گذر روزگار که فشاری بی‌سابقه بر رفتار و اخلاقیات برای نسل تشنه جوان وارد کرده، بس ما را نگران می‌سازد چرا افق آینده به این بندر تغییر نمی‌کند، بی تعارف و منت، به غیر از تعدادی هنرمندان عاشق که رسالت هنر بر دوششان از هستی خویش گذشته‌اند و احیاگر ته مانده هر آن‌چه بنام میراث در اذهان آحاد این دیار



به یادگار مانده است، کجا برنامه‌ای فراگیر برای جامعه هدف بکار گرفته‌اید، امید می‌رفت فرزندان جاشوان و ملاحان حمایت شوند به دل، اما متاسفانه این‌گونه نشد، نگذارید تلخی‌ها و نارواییهای سالیان طولانی عشق ورزیدن به هنر و دیار خود چه سختی‌ها که تحمل نکرده‌اند به بی‌مهری، رها شوند. این شهر خسته را دریابید، یادتان باشد وقتی در هر جامعه هنرمند خسته باشد، این خستگی پیکره یک شهر را در برمی‌گیرد، کمی نشاط با چاشنی مهر آیینی به فرزندان این شهر امید را در رگ‌ارگ کوچه‌های بوشهر رخوت را از در و دیوارش بزداییم، کاش کسانی را دعوت کنیم تا سرانه خواندن کتاب را برای‌مان هجی کند، چرا نباید به رفتارهای جمعی‌امان توجه شود، آمار طلاق را دیده‌اید؟ معضلات اجتماعی را رصد می‌کنید؟ این شهر پر از زخم‌های پنهان است، یک شهر خواسته‌های خود را به دستان شما دخیل بسته است، کی و کدام شورا قراراست از این‌همه نگاه خسته‌نگر، دست بردارد؟ شورای شهر چه‌قدر این تفکر برایش مهم است؟ اروپا با چهارصد و پنجاه ملیون نفر، شانزده‌ونیم متر برای هر فرد فضای ورزشی دارد، در ایران ما یک و نیم متر، بوشهر ما کجای این معادله است؟ بحث در مورد فرهنگ و هنر که دیگر جای خود دارد... فقط باید امید داشت که ظرف ظریف فرهنگی را به سنگ بی‌فرهنگی نشکنند... این‌ها را برای مسئولینی می‌نویسم تا بدانند با عبا و ردا و قبا و فحاشی به این و آن در شهری که تعامل ادیان و اقوام مختلف در کنار هم زبانزد خاص و عام در حافظه تاریخی تاریخ ثبت است بدانند، ما چای‌امان را با خدای خود می‌نوشیم، و شما همچنان به قصه هابیل و قابیل بچسبید!

وقتی تنها نیستیم



فریبا درویشی: ما وقتی کتاب می خوانیم به حقیقتی بزرگ و آرام بخش دست می‌یابیم، این‌که دیگر تنها نیستیم.

یک پنجره مطمئن به قلب هر انسان نگاهی به فهرست مطالعات اوست. خواندن، تار عنکبوت‌های ذهن را پاک می‌کند و قدرت تفکر را تقویت می‌کند.

کتاب راستگوترین، مفیدترین و مهربان‌ترین دوست برای هر انسان است.

جانان پدر، دانایی آموزید



جمیل رزمی: ازکودکی و نوجوانی به ماآموخته‌اند که کتاب یارمهربان است، دانا وخوش بیان است و ما این را باورکرده‌ایم و همواره آن را ارج می‌نهیم، جان کلام آن که کتاب از یار مهربان هم کمی آن‌طرف‌تر است.

ما درکتاب‌های درسی‌مان خوانده‌ایم و این خواندن ادامه می‌یابد تا زمانی که مهربانتر و داناتر از آن را نیافته باشیم. پس اگر قرار باشد ما آدم‌هایی برای فردای بهتر تربیت کنیم، این اتفاق خوب میسر نمی‌شود مگر در سایه تمسک جستن به کتاب.

بنابراین تمدن بشری ماحصل اندیشه‌ورزی پیرامون جهان اطراف‌مان است و چه زیبا حضرت شیخ اجل سعدی شیرازی چند صد سال پیش با زبان فاخر فارسی به ما چیزی را آموخت که تا دنیا، دنیاست نباید آن را فراموش کرد آن‌جا که او با زبان شیرین پارسی فرمودند:

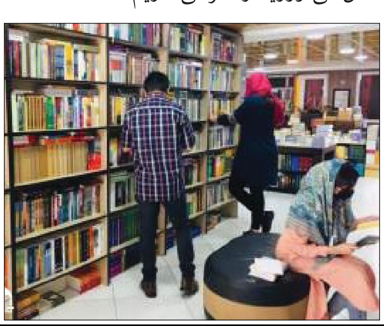
جانان پدر هنر آموزید که هنرچشمه زاینده است و دولت پاینده.

هنر این جا به معنای دانایی است که مدام همچون چشمه در حال غلیان است و این غلیان و زایش محصول اندیشیدن حول مفاهیمی است که از درون کتاب متبادر می‌شود و این همه گفته آمد تا بدانیم رسالت کتاب چیست و کتاب چه اهمیت و جایگاهی در تربیت انسان، توسعه یافتگی جوامع و تحولات اجتماعی، سیاسی، علمی دارد باشد که نسل جوان و جویای دانایی ارزش آن را بداند وآن رابه جوی نفروشد.

یاد دختر کتاب در بوشهر



عبدالرزاق ریشهری‌زاده: در هفته کتاب، کتابخوانی و کتابداری جا دارد یاد مرحومه بهناز شریف پور بوشهری که نقش بسزایی در راه اندازی کتابخانه های بوشهر داشت و به کتاب و کتابداری عشق می ورزید را گرامی داریم.



کاری کوچک، اما مهم

گالیا توانگر



محاسبه کرده‌ام که روزانه ۴۵ دقیقه با مترو به محل کارم می‌رسم و ۴۵ دقیقه هم صرف برگشتنم به خانه می‌کنم، بنابراین می‌شود از همین زمان برای عادت به مطالعه بهره فراوان برد. لابه‌لای جمعیت خودم را به گوشه دنجی از قطار می‌رسانم و کتاب رمانم را می‌گشایم و بااشتیاق می‌خوانم. خانمی که با حسرت نگاهم می‌کند، می‌گوید: «خوش به حالت که حوصله کتاب خواندن داری. من که با بچه‌ها و مشکلات زندگی اصلا وقتش را ندارم.»

«ساموئل اسمایلز» مولف کتاب اخلاق و اعتماد به نفس، بر این اعتقادست که «تکرار کارهای کوچک نه تنها شخصیت انسان را می‌سازد، بلکه شخصیت ملت‌ها را تعیین می‌کند.»

یکی از این کارهای کوچک که می‌توانید هر روز تکرارش کنید و نتیجه شگرف آن را ببینید، ۱۵ دقیقه مطالعه روزانه است. اگر روزی ۱۵ دقیقه



مطالعه و سلول‌های خاکستری خویش را درگیر کنید به پیشرفت‌های عظیم یادگیری دست خواهید یافت. زیبایی روش یا قانون ۱۵ دقیقه در این است که آن قدر کوتاه است که هیچ وقت به بهانه این که وقت ندارید، آن را به تاخیر نمی‌اندازید.

روش دیگری که می‌تواند در شما عادت به مطالعه را نهادینه کند، کتابخوانی در حلقه دوستانتان است. دوستم می‌گوید: «صبح‌ها ساعت هشت برای ورزش به پارک محله‌مان می‌روم. بعد از یک ساعت ورزش، از ساعت ۹ تا ۹ و نیم با سایر بانوان که به واسطه همین ورزش و کتاب‌خوانی دوستان صمیمی شده‌ایم، روی چمن‌ها حلقه زده و صفحاتی از یک کتاب به روز را می‌خوانیم. گاه بعد از اتمام مطالعه کتاب را به صورت گروهی به کتابخانه عمومی پارک اهدا می‌کنیم تا در ثواب ترویج مطالعه همگی شریک باشیم. تاکنون خواندن ده کتاب را به این شیوه تمام کرده‌ایم.»

یکی دیگر از کارهای مفیدی که این گروه از بانوان برای ترویج کتابخوانی انجامش می‌دهند، رفتن به برخی مراکز توانبخشی و خواندن کتاب برای مددجویان است. وی می‌گوید: «چشم‌های‌تان را ببندید و فکر کنید از نعمت بینایی محروم هستید، اما دلتان می‌خواهد کتاب جدید نویسنده مورد علاقه‌تان را بخوانید یا دوست دارید یک قطعه شعر از شاعر مورد علاقه‌تان را بخوانید. حال چشم‌های‌تان را بگشایید. این مشکل همیشگی روشن‌دلان عزیز جامعه ماست. بیایید لذت کتابخوانی را با این عزیزان تجربه کنیم و در شادی و خوشحالی آنان شریک شویم. فقط کافی است به انجمن نابینایان و یا کتابخانه نابینایان شهرتان و یا به نزدیکترین مرکز مراجعه فرمایید؛ مخصوصا شهرستان‌ها و بگویید می‌خواهید کمی از وقت‌تان را به عزیزان روشندل اختصاص بدهید. با کتاب‌خوانی برای روشن‌دلان عزیز، به افزایش معلومات و روحیه آنان کمک کنیم.»

ارج و ارزش کتابخوانی برای نسل نوجوان

دکتر محمود دهقانی



به ارج و ارزش کتابخوانی نسل کنونی ایران از این دیدگاه می‌بایست نگریسته شود چون نوجوانان مهتابی‌های آینده جامعه خواهند بود. در روزگار گذشته و اکنون و برای همیشه کتاب از ابزارهای بازتاب‌دهنده دانش و فرهیختگی بوده است. با همه میمنتی که در عصر الکترونیک کنونی سر راه نسل جوان قرار گرفته اما به دلیل پراکندگی و ناکافی بودن دانش ریشه‌ای، باز هم همچون کتاب تاثیر ژرف ندارد. درست است که آگاهی‌های پر ارزشی را نسل کنونی از دنیای مجازی می‌تواند به دست بیاورد اما باز هم کتاب نیست که خواننده بتواند از اندیشه صاحب گفتار و پایگاه بازتاب‌دهنده آن آگاهی داشته باشد.

هر چند می توان شمار بالایی کتاب با رایانه جستجو کرد اما نسل نوجوان ما به دلیل نداشتن برنامه تفریحی و ورزشی برای کتاب سراغ اینترنت و رایانه نمی رود. او برای خالی کردن خود و برداشتن پنجه زمخت تنهایی و بی‌بهره بودن از شادی به سراغ رایانه می‌رود. بی گمان الکترونیک یک میمنت در گستره دانش بشری است اما میلیون ها صفحه مبتذل هم در آن‌جا زندگی نوجوان را به تباهی می کشاند. جوان و نوجوان هیچ تضمینی در واقعیت جستجوی خود ندارد. درست است که با الکترونیک شاهراه‌های اطلاعی بر نوجوانان باز است اما از سنگر جنگ ترکیبی در جبهه‌ی مجازی نیز گلوله های مبتذل شلیک می شود.

جنگ ترکیبی یا "هیبریدی" در دنیای مجازی ویران‌گرتر از جبهه‌ی جنگ‌های واقعی است. بنابراین پیش از نوجوانان این دولت ها هستند که می‌بایست زمینه مطالعه را در یک کشور مهیا و زمینه کتابخوانی را گسترش دهند. نسل کنونی به پشتیبانی عاطفی و اقتصادی از سوی سازمان‌های فرهنگی نیازمند است تا به بالندگی برسد. اما شوربختانه فرهنگ ما هنوز در پیله‌ی پند و اندرزها آبایی روزگار کهن جا خوش کرده و درنیافته که نسل کنونی این سرزمین به برنامه ریزی علمی برای یادگیری و استفاده بهینه از کتابخوانی نیاز دارد. همه از دیرباز دریافته‌ایم که کتاب ابزار ارزشمند آگاهی بوده و موجب رشد و بالندگی نسل جوان می‌شود. اما نسل جوان به پشتیبانی بزرگسالان نیازمند است. برخی بر این باورند که پیشرفت‌های بسیاری که در گستره الکترونیک سر برآورده دیگر نقش کتاب را در جامعه و فرهنگ کم کرده است. این درست نیست و یک برداشت غیر علمی است. چرا که نقش کتاب در جامعه کم نشده، بلکه به مراتب افزایش نیز داشته است.

بشر نخستین پس از غارنشینی و سرگشتگی‌های پس از آن راه آرامش را در دین و مذهب یافت. دین و مذهب نیز با کتاب بود که پا به میدان گذاشت. رسالت همه پیامبران با کتاب به پیروان بازتاب داده شد. بنابراین کتاب یک پیشینه ژرف و تقدس‌گونه در زندگی بشر داشته و دارد.

در واقع کسی را نمی توان پیدا کرد که نقش کتاب در انتقال افکار را کتمان کند. همه می‌دانیم اگر کتاب نبود بشر امروزی در این جایگاه قرار نداشت. نقش کتاب در جامعه و فرهنگ همواره چشمگیر بوده و هنوز هم هست. پیشرفت هر جامعه‌ای به برنامه ریزی از سوی دولت و ترتیب جشن شادی آفرین فرهنگی و همچنین باز کردن اشتهای کتاب‌خوانی است. نقش کتاب در جامعه همیشه تاثیر گذار بوده اما کتاب هم می‌تواند تاثیر ویرانگر نیزداشته باشد. بنابراین نسل نوجوان و فرزندان نیاز به راهنمایی بزرگسالان در نوع سالم و علمی کتابخوانی دارند.

گفته پایانی اینکه نخست از هر چیز برای دلگرمی و تشویق کودک، نوجوان و جوان به کتابخوانی و پی بردن به ارزش کتاب می‌بایست آموزگار خوب تربیت کرد. کتاب گریزی نوجوانان و جوانان به دلیل وجود آموزگارانی است که در کودکستان، دبستان و دبیرستان، خود با کتاب بیگانه‌اند. بنابراین برای رواج کتابخوانی باید آموزگار و همچنین وزیر کتابخوان تربیت کرد و به کار گمارد.



جلسات کتابخوانی نوجوانان در بوشهر

چرا باید کتاب خواند

فرشته گزدرازی



توانایی خواندن یکی از مهمترین مهارت‌های اساسی دنیای امروز است و مطالعه برای داشتن ارتباط با جامعه امروز ضروری است. دسترسی به اطلاعات به صورت آنلاین یا در کتاب‌ها و مجلات باعث می‌شود افراد اطلاعاتی در مورد جهان پیرامون خود کسب کنند تا بتوانند به راحتی با دیگر جوامع ارتباط برقرار کنند.

البته مغز انسان نیز نیاز به پیشرفت مستمر دارد و خواندن، فعالیتی برای کمک به این پیشرفت است. خواندن و مطالعه کمک می‌کند تا افراد تخیل فعال‌تری داشته باشند و این تخیل موجب سطح بالاتری از خلاقیت در جامعه می‌شود. کتاب خواندن حافظه و تمرکز را بهبود می‌بخشد و همچنین باعث کاهش استرس می‌شود.

بزرگسالان و سالمندانی که وقت خود را با خواندن کتاب می‌گذرانند نشانه‌های کاهش شناختی کمتری دارند و در فعالیت‌های ذهنی بیشتر شرکت می‌کنند. کتاب‌ها سرگرمی ارزان‌قیمت آموزشی و ماشین زمان هم هستند.



مطالعه و خواندن فعالیت باارزشی است که موجب پیشرفت جامعه در زمینه‌های مختلف از جمله فناوری، اقتصادی و اجتماعی می‌شود، اما بسیاری از افراد این مهم را نادیده گرفته و وقت خود را صرف کتاب‌خوانی و ارتقای خود و جامعه نمی‌کنند. کتاب منبع باارزشی از اطلاعات غنی بوده و خواندن کتاب موجب افزایش دانش و اطلاعات خواهد شد.

کتاب به دلیل تاثیرات مثبت بر مغز موجب تحریک روحی و روانی شده و با فعالیت بیشتر از آلزایمر و دیگر مشکلات مغزی پیشگیری خواهد کرد.

با خواندن کتاب استرس را از خود دور خواهید کرد. این تاثیر بر مغز بیش از گوش کردن به موسیقی و یا پیاده‌روی است. حافظه نیز با خواندن کتاب و یادآوری شخصیت‌های داستان و رویدادها و دیگر موارد ارتقا می‌یابد. تصورات نیز با خواندن کتاب‌های تخیلی بهبود می‌یابند.

از دیگر مزایای کتابخوانی می‌توان به پیشرفت مهارت‌های فکری، ساخت کلمات، بهبود مهارت‌های نگارشی و مهارت‌های ارتباطی اشاره کرد. البته با خواندن کتاب تمرکز افزایش یافته و این سرگرمی مفید، ارزان‌قیمت و محرک باعث بهبود سلامت شده و همدم همیشگی قبل از خواب برای آرامش بهتر خواهد بود.

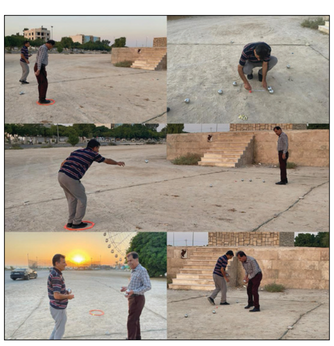
کتاب جهان دیگری را به ما می‌آموزد و موجب اجتماعی شدن افراد و بهبود خلاقیت با شیوه خود می‌شود. کتاب خوب اخلاقیات را افزایش داده و تاثیرات منفی جهان دیجیتال را ندارد. افراد را باهوش‌تر کرده و از تماشای فیلم به دلیل ایجاد تصورات خاص خواننده بهتر است.

ورزش « پانک » را دریابید



رضا سیاهوشی: پتانک (به فرانسوی: pétanque) ورزشی است که در آن هدف این است که بازیکنان توپی فلزی را (که جزء اصلی این بازی است) به جک (cochonnet) نزدیک کنند. این رشته در روش‌های مختلف انفرادی، تیمی، دونفره و سه نفره و میکس برگزار می‌شود که تعداد پرتاب‌ها در هریک این روش‌ها متغیر است.

بازیکنان باید این کار را در حالی انجام دهند که دو پایشان داخل «دایره شروع» (رینگ) قرار دارد.

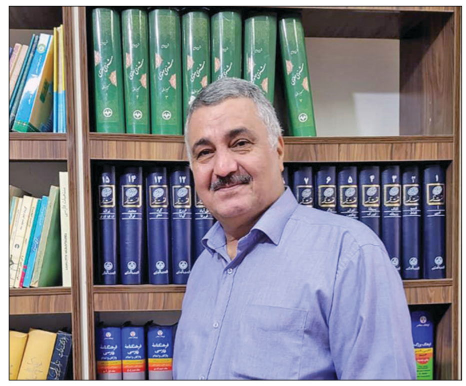


این ورزش معمولاً در خاک یا شن و ماسه سخت شیب‌دار صورت می گیرد اما می‌توان آن را در داخل چمن نیز برگزار کرد.

تعدادی از بازنشستگان آموزش و پرورش در اوقات فراغت خود، دو الی سه بار در طول هفته و در گوشه‌ای از زمین پارک شغاب (محدوده گورستان تاریخی شغاب) با حداقل امکاناتی که از خود داشته به ورزش «پتانک» پرداخته که امیدواریم مدیریت سازمان ورزش و جوانان زمین و مکانی مناسب برای این عزیزان در نظر بگیرد و ترتیبی اتخاذ نماید تا استقبال بیشتری از این ورزش مفرح و سرگرم‌کننده فراهم گردد.

مصاحبه با دکتر حمید اسدپور استاد تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر:

سیر مطالعاتی تاریخ معاصر ایران



– به طور مشخص تاریخ معاصر شامل چه دوره‌ای در ایران می‌شود؟

– با درود به شما دوستان گرامی در هفته نامه وزین نسیم جنوب و سپاس فراوان از این‌که به موضوع کتاب و کتابخوانی توجه نمودید و درود فراوان بر خوانندگان و دنبال‌کنندگان نسیم جنوب. در ابتدا هفته کتاب و کتابخوانی را گرامی می‌داریم و امیدواریم روزی برسد که کتابخانه‌های ما عزیز و کتابفروشی‌های ما پررونق و کتابخوان‌های ما فراوان باشند و سرانه مطالعه ما ایرانیان به شاخص‌های قابل قبول برسد و کتابخوانی به عنوان یک ارزش اجتماعی برتر در بین جامعه مطرح باشد.

یکی از نشانه‌های دوری هر جامعه‌ای از توسعه و پویایی همانا بی‌ارزش شدن کتاب و اندیشه و کوچک شمرده شدن این ارزش‌های والای انسانی است.

پیرامون پرسش نخست شما تا آن‌جا که من اطلاع دارم و لزوما هم دقیق نیست بایستی عرض کنم که چندین دیدگاه در این باره وجود دارد. پاره‌ای بر این باورند که دوران معاصر تاریخ ایران از دوره صفویه شروع می‌شود. گروهی دیگر می گویند از زمان قاجار این دوره تاریخی آغاز می‌گردد. بخشی دیگر مبدا تاریخ معاصر ایران را انقلاب مشروطیت می‌دانند و اقلیتی نیز دوران پس از جنگ جهانی دوم را سرآغاز تاریخ معاصر می‌دانند. نکته مشترک در این دیدگاه‌ها آن است که یکسری تحولات بنیادین به عنوان محور دوره معاصر در نظر گرفته شده و دامنه‌های آن تعیین می‌گردد.

– آیا تاریخ معاصر ایران خود نیز به دوره‌های مشخص تقسیم می‌شود؟

– در هریک از این دیدگاه‌ها مراحل و بخش‌های تاریخی لحاظ شده که ناشی از آغاز تاریخ معاصر ایران است و بنابراین می‌توان گفت تاریخ معاصر ایران به مراحل متفاوتی تقسیم می‌شود. مثلا جنگ‌های ایران و روس در عهد فتحعلی شاه قاجار، انقلاب مشروطیت در عهد مظفرالدین شاه، جنگ جهانی اول، ظهور پهلوی، جنگ جهانی دوم، ظهور نهضت ملی شدن نفت، وقایع دهه چهل خورشیدی و ظهور انقلاب اسلامی تا تهاجم عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ خورشیدی. البته می‌توان به رویدادهای دیگری هم اشاره که فعلا از آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

– مهمترین اتفاقات تاریخ معاصر ایران چه بوده است؟

– مهمترین تحولات تاریخ معاصر ایران عبارت بودند از رویارویی با غرب و ازدست رفتن موقعیت تاریخی و جغرافیایی ایران به علت عقب‌ماندگی‌های تاریخی که به طور مثال باعث دست‌اندازی روسیه و عثمانی و انگلیس به خاک ایران شد. انقلاب مشروطه یک تحول بنیادین دیگر بود که هنوز ابعاد واقعی این تحول برای مردم تبیین نشده است.

– آیا منابع موثق تاریخی برای شناخت تاریخ معاصر ایران منتشر شده است؟

– اتفاقا منابع تاریخی بسیار متنوع و راهگشایی پیرامون تاریخ معاصر ایران وجود دارند که صرفا محدود به کتاب‌ها نشده بلکه شامل اسناد رسمی و غیررسمی آرشیوی، روزنامه‌ها و مطبوعات، خاطرات و مکاتبات و نیز سفرنامه‌ها و گزارش‌های رادیویی و تلویزیونی و مستندهای صوتی و تصویری و عکس‌ها و موزه‌ها می‌شود.

در تاریخ معاصر ایران ما شاهد زوال تاریخ نگاری سنتی و تولد تاریخ نگاری مدرن ایرانی هستیم که تحت تاثیر عوامل زیادی از جمله آشنایی با فرهنگ غربی و ترجمه منابع اروپایی به زبان فارسی و رواج روزنامه‌نگاری به وقوع پیوست و از این رهگذر منابع تاریخی قابل اعتمادی پدیدار شدند. بنابراین منابع موثقی درباره تاریخ معاصر ایران در دسترس می باشد که از زوایای مختلف تاریخ معاصر ایران را بررسی کرده اند. این منابع تحت تاثیر و رویکرد جریان‌های تاریخ نگاری معاصر ایران پدید آمده‌اند.

– سیر تاریخ‌نگاری جدید چگونه شکل گرفت؟

تاریخ‌نگاری جدید از اواسط دوره قاجار ظهور کرد و رفته رفته مورخان جدیدی پیدا شدند که در پی تحول در تاریخ‌نگاری بودند. در جریان انقلاب مشروطیت نسل جدیدی از مورخین پیدا شدند که به نگارش تاریخ مشروطه پرداختند که از آن جمله می‌توان به احمد کسروی اشاره کرد. روزنامه‌های عصر پس از مشروطیت نیز منبع مهمی بشمار می‌روند. در دوره رضا شاه تاریخ وارد دانشگاه‌ها شدند و به طور رسمی یک رشته دانشگاهی شد. در این دوره هم نوع جدیدی از تاریخ‌نگاری پیدا شد. بعد از سقوط رضاشاه باز هم تاریخ‌نگاری متحول شد و شاخه‌های جدید پیدا کرد. بعد از رشد و توسعه احزاب تاریخ‌نگاری براساس مسلک حزبی و گرایش‌های ایدئولوژیک پدیدار شد. دولت پهلوی دوم نیز بر مبنای گفتمان ناسیونالیستی این نوع تاریخ‌نگاری را مد نظر قرار داد. تاریخ‌نگاری دانشگاهی نیز رفته رفته پدیدار شد. بعد از انقلاب اسلامی نیز تاریخ‌نگاری گسترش یافت ولی تاریخ‌نگاری دینی مورد توجه واقع شد و در این شاخه توسعه یافت اما همچنان سایر شاخه ها نیز متحول شدند.



– به طور مشخص چه کتاب‌هایی را برای شناخت دوره‌های مختلف تاریخ معاصر برای شهروندان علاقمند به تاریخ پیشنهاد می‌دهید؟

– همه منابع موجود مهم هستند و لیکن نکته مهم است که مطالعه‌کنندگان با نقادی به مطالعه منابع تاریخ معاصر بپردازند و به شکل انتقادی با آن‌ها روبرو شوند تا هرچه بیشتر به کشف حقایق تاریخی نزدیکتر شوند.

کتاب‌هایی همچون تاریخ تحولات اجتماعی ایران یا مقاومت شکننده از جان فوران. نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن غرب از دکتر حائری، سفرنامه میرزا صالح شیرازی، سیاحت نامه مراغه‌ای، تاریخ مشروطه کسروی، تنبیه الامه و تنزیه المله از مرحوم نایینی، ایران باستان از پیرنیا، ایران بین دو انقلاب از آبراهمیان، ایران بین دو کودتا از دکتر رحمانیان، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری صنعتی در ایران از احمد اشرف، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران از دکتر اردکانی، تاریخ بیست ساله ایران از حسین مکی، تاریخ سی ساله بیژن جزنی، کارنامه احزاب سیاسی ایران در مجلس چهارم شورای ملی از دکتر اسدپور، تاریخ احزاب سیاسی ایران از مرحوم ملک الشعرا بهار، مالک و زارع در ایران از خانم لمبتون و تاریخ ایران کمبریج، یاداشت‌ها و خاطرات علم و عوامل سقوط پهلوی از علی دشتی نمونه‌هایی از منابعی هستند که در دسترس می‌باشند و البته ذکر تمامی منابع در این‌جا میسر نمی‌باشد ولی علاقمندان به کتاب با مراجعه به وبگاه کتابخانه ملی ایران می‌توانند فهرست کتاب‌های مرتبط با تاریخ معاصر ایران را یافته و برای مطالعه اقدام نمایند.

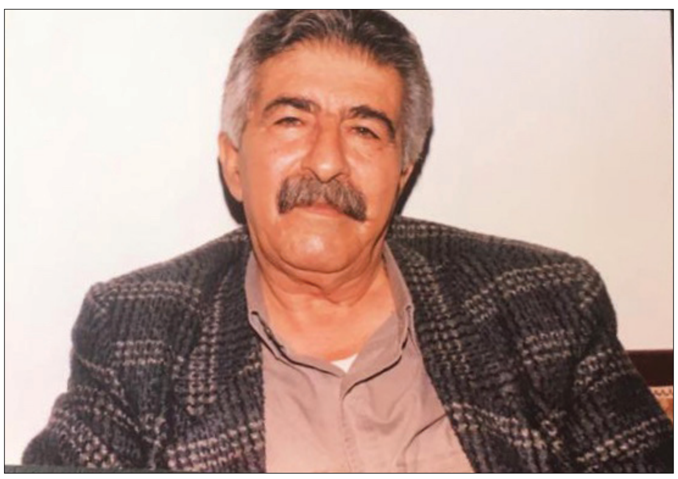
واکنش برادر آتشی به اظهارات اخیر دختر شاعر:

باید وسواس و دقت بیشتری داشت

برادر منوچهر آتشی، شاعر، نویسنده و مترجم معاصر نسبت به اظهارات اخیر دختر این شاعر درباره تغییر رویه چاپ کتب این شاعر واکنش نشان داد.

به گزارش ایبنا، مهر امسال انتشار گفته‌های شعله آتشی دختر زنده‌یاد منوچهر آتشی در یکی از خبرگزاری‌ها، موجب واکنش‌هایی برخی از چهره‌های ادبی شد که در طول سال‌های اخیر به‌طور خودجوش به جمع‌آوری آثار و گفت‌وگوهای منوچهر آتشی، شاعر و مترجم برجسته جنوب کشور پرداخته‌اند.

در این گفت‌وگو دختر شاعر اشاره کرده که به همراه خواهرش با راه‌اندازی یک مؤسسه فرهنگی و هنری به نام پدرشان در پی سر و سامان دادن وضعیت انتشار آثار این شاعر معاصر هستند و در این باره تأکید کرده که «برنامه‌ریزی کرده‌ایم که نظارت بیشتری بر کتاب‌های منتشرشده و در دست چاپ پدرمان داشته باشیم و از هرج‌ومرجی که ممکن است از سوی افراد و ناشرانی ایجاد شود که بدون اجازه نسبت به انتشار آثار قدیمی ایشان یا تدوین نوشته‌های منتشرنشده‌شان اقدام می‌کنند، جلوگیری کنیم و قانوناً هم حق هرگونه پیگیری و شکایت را برای خود محفوظ می‌دانیم.»



انتشار این گفت‌وگو افزون بر واکنش شاعران و نویسندگانی که در این سال‌ها به‌طور تخصصی به آتشی و اشعار او پرداخته‌اند، برادر این شاعر فقید را به واکنش واداشت و از برادرزاده خود خواست تا با نگاه وسیع‌تری در این باره تصمیم‌گیری کنند.

رسول آتشی در این خصوص به خبرنگار ایبنا در بوشهر گفت: منوچهر آتشی در حوزه ادبیات محصور به قاعده خاصی نیست و همگان می‌توانند به بررسی و نقد و انتشار برداشت خود از او در حوزه شعر و ادبیات دست بزنند؛ چراکه هرچه این حوزه وسیع‌تر و فعال‌تر شود، نام و سبک شعر او بیشتر معرفی می‌شود.

وی افزود: اینجا پای ادبیات در میان است و آنچه کمک به معرفی جایگاه منوچهر، سبک شعر و تاثیرگذاری ادبی او در صحنه ادبیات کشور و جهان می‌کند. بدون تردید این حوزه هرچه وسیع‌تر باشد، همگان بیشتر از آن استفاده خواهند برد. مثلاً تا جایی که اطلاع دارم اشعار منوچهر آتشی در دانشگاه خلیج فارس بوشهر تاکنون چندبار موضوع پایان‌نامه‌های دانشجویان بوده است، یا دو کتاب در رابطه با یادداشت‌های ادبی، مقالات و گفت‌وگوهایی که در سال‌های متمادی در مطبوعات منتشر شده بودند، گردآوری، تنظیم و منتشر شده است که کارهای بسیار زیبا و در خور او بوده‌اند.

آتشی افزود: درست است که امور نشر کتاب‌های منوچهر و انتفاع مالی آن به استناد قوانین متعلق به فرزندان اوست، اما طبق اطلاعی که دارم تاکنون فرزندان برادرم به نتیجه مشترکی در این زمینه نرسیده‌اند. امیدوارم این اتفاق هرچه زودتر بیفتد تا سودجویان با توجه به کمبود کتب برادرم در بازار، به فکر چاپ غیرقانونی آثار وی نیفتند. همین جا از برادرزاده‌هایم خانم‌ها شقایق و شعله آتشی می‌خواهم هرچه سریع‌تر رویه‌ای را برای چاپ منظم کتاب‌های برادرم تعیین کنند تا در انتشار کتاب‌های او خللی وارد نشود.

برادر این شاعر فقید همچنین رسیدگی به دست‌نوشته‌های منتشرنشده منوچهر آتشی را دیگر موضوع مهمی دانست که نیاز به دیدگاه وسیع‌تری دارد و در این‌باره گفت: این کار می‌تواند با نظارت فرزندان او و انتخاب جمعی دلسوز و فرهیخته و آشنا به منوچهر آتشی به‌دور از هرگونه انتفاع مالی اتفاق بیفتد؛ روشی که باعث شکوفایی شعر و ادبیات منوچهر بشود.

آتشی تأکید کرد: تا الآن برای رسیدگی به دست‌نوشته‌های برادرم روش یا شخص خاصی تعیین نشده‌است، بی‌شک معرفی یک فرد برای این مهم، باعث محدود شدن منوچهر به دیدگاه یک نفر خواهد شد که شایسته جایگاه ادبی برادرم نخواهد بود.

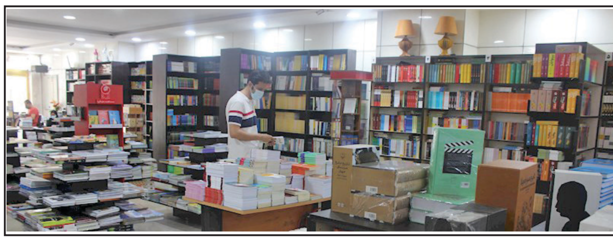
برادر منوچهر آتشی گفت: اینکه خانم شعله آتشی، دختر محترم برادرم تنها به یک فرد اعتماد و او را برای رسیدگی به دست‌نوشته‌های برادرم تعیین کرده، شاید از روی دلسوزی یا کمبود وقت او باشد، ولی قطعاً این انتخاب نه شایسته جایگاه ادبی برادرم است، نه شایسته محیط فرهنگی کشور با آن داشته‌های غنی در حوزه ادبیات. توصیه من برای این موضوع انتخاب جمعی از افراد است که با سبک ادبی منوچهر آشنا هستند. بنابراین به نظر باید در همهٔ این حوزه‌ها با وسواس و دقت بیشتری وارد شد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

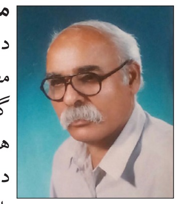
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۹۰۰
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



کم رونق شدن مطالعه کتاب



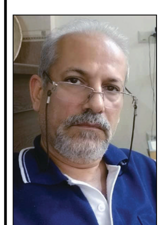
مرتضی زندپور: هر چند در شرایط کنونی متاسفانه مطالعه کتاب کم‌رونق گردیده و چنان که باید همدمی و هم‌نشینی با این دوست کمتر شده است ولی باید گفت: اهمیت مطالعه کتاب و تاثیر آن بر ذهن و افزایش دانش انسان بر کسی پوشیده نیست.

با وجودی که از طریق فضاهای مجازی امر مطالعه تسهیل یافته و می‌توانیم از این طریق هم به حجم زیادی از اطلاعات دست یابیم ولی به باور من مطالعه کتاب هم خالی از لطف نیست و می‌تواند تاثیر فراوانی در پر کردن اوقات فراغت و بالا بردن دانش ما داشته باشد.

راه جلوگیری از تکرارهای بیهوده گذشته و ناکامی‌های احتمالی آینده

رضا نکیسا

اقتضای جان چو ای دل اگهی است
هر که آگه تر بود جانش قوی است
یا به عبارتی
توانا بود هر که دانا بود
زدانش دل پیر برنا بود



در ادبیات غنی منثور و منظوم فارسی کم از اهمیت آگاهی و علم گفته نشده و هرچه لازم بوده را بزرگان زبان و اندیشه فارسی گفته و مانیز ریزه خوار خوان گسترده آنهاییم. با این حال گفتن از اهمیت علم و آگاهی و تکرار آن لازمه امروز جامعه ماست. بنابراین به زبان ساده‌تر سخن ادامه می‌دهم، و از اصول و لازمه موفقیت در هرکاری می گوییم.

«تافلر» در کتاب تغییر ماهیت قدرت از سه ابزار قدرت می گوید، زر، زور و تزویر، نویسنده در ادامه چنین بیان می کند که امروزه تزویر را ما به دانش تعبیر می کنیم، وی معتقد است قدرت منبعث از دانش تاثیر آن به مراتب بیشتر، فراگیرتر، دائمی‌تر و خطر اعمال و استفاده از آن نیز کمتر است.

اینجا است که جوامع توسعه یافته اساس گذار خود به جامعه مدرن را از منبع نامتناهی علم می گیرند.

امروزه بر کسی پوشیده نیست که آگاهی عامل تاثیرگذار در انتخاب راه است، و در همه حال می‌بایست پایه تصمیماتی باشد که با منافع مادی و معنوی ما گره خورده است.

توصیه بزرگان و اهل اندیشه است که اگر فعالیتی براساس تحقیق و مطالعه شکل گرفته باشد، کمتر منجر به ناکامی و شکست می‌شود.

نسل جوان امروز که آماده ورود به جامعه جهانی است تنها را جلوگیریشان از تکرارهای بیهوده گذشته و ناکامی‌های احتمالی و پیش‌رو توصیه به خواندن و مطالعه و آمادگی حاصل از آن است.

در هر حوزه‌ای که قصد ورود داریم بدون دانش و مطالعه به نتیجه دلخواه نخواهیم رسید، لذا توصیه می‌شود قبل از انتخاب، فهم درست از موضوع که منبعث از مطالعه است مد نظر باشد و می‌بایست با دانش گام برداریم و این مهم نیز فقط با مطالعه فراهم می‌آید.

آگاهی ریسک کارها را کاهش می دهد و از اتلاف منابع می کاهد.

درمان مردم بوشهر را بازیچه اختلافات نکنید

غلامرضا غریبی: در حالی‌که استاندار بوشهر در هفته گذشته از کمبود شدید امکانات درمانی در بوشهر سخن گفت و اعلام کرد که برای رفع مشکلات درمانی استان باید از بخش خصوصی حمایت کرد، معلوم نیست چرا از از امکانات بخش خصوصی که آماده خدمت رسانی درمانی به مردم بوشهر است، استفاده نمی‌شود؟!



نمونه آن کلینیک تخصصی و فوق تخصصی شهر بوشهر که از آن به عنوان بزرگترین درمانگاه استان یاد می‌شود هست که کنار ساحل و روبرو آب انبار قوام است که توسط بخش خصوصی و با همکاری دانشگاه علوم پزشکی در طی چند سال ساخته شد و حتی اسفند ماه سال گذشته، توسط وزیر بهداشت و درمان هم افتتاح شد، اما معلوم نیست که چرا جلوی شروع فعالیت آن گرفته شد!



این کلینیک درمانی که توسط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با ۴۰ مطب پزشکی در ۵ طبقه احداث شده است، و قرار است که با تعرفه دولتی به مردم خدمات درمانی دهد، ماه‌هاست که گفته می‌شود منتظر تفاهم نامه با وزارت بهداشت درباره نحوه تامین پزشکان، تجهیزات و خدمات‌دهی مرکز با تعرفه دولتی است.

هر اختلافی هم که بین مسئولین بهداشت و درمان با سازندگان بخش خصوصی درباره مفاد قرارداد این کلینیک درمانی است، نباید دود آن به چشم مردم برود؟ چگونه است که این اختلافات هنگام عقد قرارداد و در زمان شش سال ساخت وجود نداشت و الان که بخش خصوصی مبلغ هنگفتی را سرمایه‌گذاری کرده است، مدیران جدید، ساز ناکوک زده و جلوی آغاز فعالیت این مجتمع درمانی را گرفته‌اند؟!

بالاخره بین بخش خصوصی با دولت و دانشگاه علوم پزشکی تعهدات و مسئولیت‌هایی بوده هست و حتما از ده‌ها کمیسیون و جلسه گذشته تا مجوز این کار به بخش خصوصی داده شده است، هم اکنون که بخش خصوصی به تعهداتش عمل کرده و مجتمع درمانی آماده شده، دولت و وزارت بهداشت و درمان و دانشگاه علوم پزشکی هم باید به مسئولیت و تعهدات خودشان عمل کنند و اختلافات را رفع کنند، تا مردم از این امکانات درمانی در استان بوشهر، استفاده کنند.

از استاندار بوشهر هم به عنوان مقام ارشد دولتی در استان انتظار است که فقط در شعار حامی بخش خصوصی در حوزه درمان نباشد، اکنون وقت این است که به طور جدی وارد این اختلاف شود و با اهرم‌هایی که در دست دارد، زمینه رفع اختلاف و آغاز بکار این مجتمع درمانی را فراهم آورد، تا دیگر فعالان بخش خصوصی هم دلگرم شوند که سرمایه‌گذاری و زحمات آن‌ها در حوزه بهداشت و درمان، هدر نمی‌رود.

وقتی کتاب خواندن هولناک می‌شود

حسین پورصفر

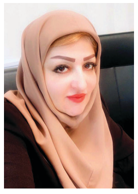


بدون تردید نسل پیش، خیلی بیش‌تر از نسل معاصر به کتاب خواندن اهمیت می‌داد. در حال حاضر شرایط جامعه ما از نظر اقتصادی به گونه ای است که سهم کتاب در سفره هزینه خانواده ناچیز و یا عملا مفقود شده است. این حرف درستی است. اما این پاسخ همه جانبه و بسامان نیست. نسل کنونی و به ویژه نسل جوان معاصر به نظر می‌رسد نوعی آنتی‌تز است در مقابل از که نسل پیشین باشد. اما سنتز چیزی است ورای تز و آنتی‌تز که باید تحقق یابد. کتاب خوانی بی‌برنامه و غیر آکادمیک نسل پیش باعث شد که نسل پیش و به ویژه جوانان کتاب‌های متنوع و ناهمگون هم‌زمان نخوانند. یعنی غالبا هر قشر و گروهی کتاب‌های خاصی می‌خواند و به آن‌ها اکتفا می کرد. این امر موجب می گردید که در گفتگو و مجادله به روی خواننده بسته بماند و با همه افکار و اندیشه‌ها آشنا نشود. در نبود گفتگو و مجادله با افکار و اندیشه‌های گوناگون و چه بسا متضاد، نتیجه کتاب خواندن هولناک است. یعنی به این می‌ماند که همه مثل هم فکر می کنند و این بدان معنا است که هیچ کس فکر نمی کند. اندیشه و تفکر در مقابله و تکثر شکل می گیرد. در نتیجه همان گونه که به وفور کتاب خواندن مشابهی نتیجه قابل تاملی در بر ندارد و کم فایده است کتاب نخواندن و دوری از تفکر و اندیشه‌های گوناگون نسل معاصر گرچه آن‌ها را نسبت به نسل گذشته واقع‌بین‌تر به بار آورده اما کافی نیست. چون بدون بهره‌برداری از تجربیات دانش تجربی و اجتماعی گذشته، ایجاد نوآوری و ارایه دانش تجربی و اجتماعی نو امکان پذیر نیست.

اندیشه و تفکر باید استمرار داشته باشد و وحدت در عین تکثر راهگشای درک مسایل تجربی و اجتماعی است. ادبیات و کلا هنر و دیگر رشته‌های علوم تجربی بدون پشتوانه و استفاده از دستاوردهای بشری در این حوزه‌ها قابل دریافت نیست و راهی به سوی آینده نمی گشاید. آینده از دل گذشته و حال رشد و نشو و نما می کند. هیچ پدیده‌ای و به ویژه پدیده‌های اجتماعی بدون درک و مشق گذشته و حال سامان نمی‌یابد. نه عمل گرایی مفرط جایز است و صرفا سر فرو کردن در اندیشه. حوزه مطالعه معاصر با یک جانبه‌گری و عدم تحمل اندیشه‌های ناهمگون و چه بسا متضاد راه به جایی نمی‌برد. باید رهنمودها و قواعد دموکراسی که دستاورد بزرگ تاریخ بشر است در حوزه مطالعه بکار گرفت و آن را تقویت کرد. حذف دموکراسی و اجزا تشکیل دهنده آن در صحنه اجتماع غفلت از دستاوردهای دانش بشری است. امکانات و شیوه‌های پیشرفت و ترقی ذاتی تاریخ است و تاریخ در ادامه راه و حرکت خود به هیچ چیز و هیچ کس رحم نمی کند. کافی است به سیر تغییر و تحولاتی که در طول تاریخ گذشته اتفاق افتاده است مراجعه کنیم.

خطر کتاب نخواندن نسل جدید

دکتر زهره عالی‌نسب



با توجه به این‌که همه به نقش کتاب و مطالعه در توسعه فکری و بالندگی جامعه واقفیم پس رسالت ترویج فرهنگ کتابخوانی به عهده تک تک ما است که افراد انسانی یک جامعه را تشکیل می‌دهیم .با توجه به این‌که فرهنگ یک پروسه است وباید به ارامی وطی دوره ای مشخصی طی کند فرهنگ کتابخوانی نیز باید ازکودکی در خانه توسط والدین واطرافیان کودک صورت گیرد مادر وپدر کتابخوان که هم خود اهل مطالعه باشد و هم برای کودکش از روی کتاب داستان‌های جذاب بخواند استارت علاقمندی به مطالعه را به فرزند خود زده است. پدر و مادر می‌توانند ذایقه، ذهن و سلیقه و ذوق کودک خود را با رفتارهای جذاب و خواندن داستان‌های شیرین به سمت کتابخوانی سوق دهند بطوری‌که ازکودکی ساعات مطالعه عادت اصلی کودک شود. در مدرسه نیز نه فقط با دستور و توصیه بلکه شیوه مطالعه و حل مسایل به نوعی باشد که کودک به جای گرفتن جواب آماده، خود به دنبال حل مساله و جستجو در کتاب‌ها برای رسیدن به جواب باشد، مسابقات کتابخوانی با بازگویی خلاق آن به یکدیگر می‌تواند این پروسه را به هدف که علاقمندی به مطالعه است نزدیک کند. با پیچیده‌تر شدن جوامع ازحیث امکانات وتنوع تفریحات و رسانه ها و تکنولوژی اطلاعات، نسل کنونی را بسیار عجول، کم حوصله و به دنبال کسب اطلاعات فست فودی نموده است که سریع مانند ساندویچ به ذهن‌شان خوراک برسانند. پرواضح است که چنین اطلاعاتی کم و بیش سطحی، کم‌عمق و چه بسا در خیلی از مواقع نامعتبر است. همین سبب شده که نوجوان و جوان امروز ازکتاب‌های قطور و حتی از دیدن فیلم‌های طولانی حذر کند و از همان اول نتیجه را می خواهد و این خطر بسیار بزرگیست، بنابراین رسالت والدین و جامعه حکم می کند روند و فرایند تعلیم و تدریس را به سمت کتاب خوانی بکشانند. اگر افراد یک جامعه به نقش کتاب و تاثیر آن در جهان‌بینی و سبک زندگی موفق و این‌که مطالعه چه خوب می‌تواند در در زندگی پرتنش امروزه ساعاتی را برای فرد بدون استرس بسازد و ذهن او را جلا بخشد، هیچ‌وقت از مطالعه فاصله نمی گیرند. اگر در کشورهای توسعه یافته مبحثی به نام فلسفه برای کودکان باز شده و بسیار پررونقست، بخاطر تاثیر زیاد مطالعه در ارتقاء سبک اندیشیدن و آموزش قدرت تحلیل و تفکر منطقی و نقد خلاقانه مسایل است و باید توسط متولیان تعلیم و تربیت ما مورد توجه قرار گیرد چون سرانه مطالعه در ایران در همه گروه‌های سنی، به طرز غم انگیزی پایین است ولی باید همگی تلاش کنیم این یار مهربان را جزء مایحتاج اولیه در سبد مصرفی خود و هموطنان خود قرار دهیم، کتاب‌های خوب را به هم معرفی کنیم، در مناسبت‌ها به هم کتاب هدیه دهیم و هرکس به اندازه توانش در ترویج کتابخوانی تلاش کند.

